

اخبار تبریز

برادران دور دست ما خاصه اهالی ما غیرت اصفهان و بختیاری های وطن پرست اسلام دوست بدانند که امروز دولتیاران چاره حن پیرهن دریدن و اشهار اخبار کافیه جموده دادن چیزی نمانده . مثلاً چند یوم قبل براین تلگرافی از اصفهان اشاعت داده اند که فرطاً بر ما بختیاری ها را فرشته و وعده های حکومت و ریاست داده آنها هم از صدمه مشروطه طلبی افتاده و در راه شخص بی تشخیص حکومت باغ شاه بجاان دادن حاضر شده اند . این خبر را بعضی سست نمودن دست و پا و عناصر مشروطه طلب های دور از اصفهانرا اشاعت داده اند . ظالمی ز اینکه این خبر را هیچ طفل شیرخوار قبول نمی کند . کجا مانده مشروطه طلبها که ادعای چیز فیهی و صاحبان عمل سلیم میدانند . زیرا که اهالی غیرتمند اصفهان قبل از آذربایجان قدم بذابره تمدن گذارده کارخانجات مسوجات ایران را احداث کرده و شرکت های متعدده بنا کرده . آهم در وقت استبداد وجه اقدامات اسلام خواهان نمودند که هنوز خواب بود . امروز که از خواب بیدار شده اند و مثل حضرت مصمص السلطنه شخص ظالم کامل و حضرت قه الاسلام قاضی پشروشانی و ایلات شعاع بختیاری ظهیرشان باشد این نیست مگر جهالت دوباریان که مردم را قیاس نمودشان می آتند

اما در خصوص تبریز - تلگراف صرف احقاه نوشته اند که تبریز کم مانده بود در تصرف دولتیان در آید و حال آنکه تبریز (پورت آرتور) نامی شده . هشت ماه است ندادنات حربه و سیورسات جمع میشود . اسبابهای جدید الاختراع جلب مینمایند . این خبر را هم بعضی بجهت تر غیب برادران اصفهانی و بختیاری و غیره منتشر ساخته اند . و حال آنکه بموجب خبر تلگرافی موثق در ۲۲ محرم سواران حاجی صمد خان از قره (خطیب) که یکفرسخی تبریز است با مجاهدان ملی آغاز جنگ میباشد . مجاهد ها موقع خودشانرا بعد از بیساعت خالی نمود عقب می نشینند سواران صمدخان باین طبلال که اینها منسوب شدند موقع مجاهدین را که صبارت از نپه وقفه بوده است می گیرند . بعضی گرفتن زمین منزول شده سواران خلال در حالت بیس غلبه

فرام آورده . تا اینکه آخر الامر مجلس را به توبه بست . وکلان صدیق وطن پرست ملت دوست ترقی خواه را که جشم و چراغ ایرانیان بودند مقتول و منقن نمود . مکتب که موحس ترقی و تمدن است بست . و روزنامه و جرائد را که وسیله اتحاد ملت و در حکم زبان ملت است توقیف نمود

الفصه صد هزاران ظالمهای بزیدی را درباره سدگان مظلوم خدا که مطلب و صرامی حن خدمت و وطن و شرع مقدس محمدی صلواته علیه وسلم و اجرای قانون شرع نبود نمود . تا اینکه دست ارفیب بیرون آمد و کاری کرد . که همه تدبیرات و احیانه مستبدانه وطن فروشانه مشتی دزدان درباری را مبیح و بویج نمود . ایرانی نژادان اصل . وارثان کاوه آهنگر . اهالی آذربایجان محابیت وطن و مملکت برخاسته مقاومت شدیدة حکه امثالش در نواریغ کم است تا سرداری حضرت سنارخان و سالاری جناب ماقر خان و جانبازی سائر مشروطه خواهان نمود . تا اینکه صفحه تبریز و خوری و سلهاس و ارومیه و مرید را در اندک مدتی از جنگ خاوران موفی استبداد پاک نمود و درصدد حرکت بطهران آمدند . تا اینکه صدای لیدلک از طرف اصفهان و مشهد و حاجا حیی دیگر شنیدند . حضرت مصمص السلطنه و آقای ضرقام الدوله با قشور حرار بختیاری که خدا یار بخت شان باشد بر معاونت برادران آذربایجان خودشان و حمایت دین و مملکت اسلام برخاسته اصفهان را از لوث استبداد البسال الدوله بر اقیان و توانش پاک نمودند . البته البته امروز بختیاریها نام خودشانرا در صفحه روزگار ثبت نمودند . البته وطن ما و مادر وطن ما امروز باید که فرزندان ارشد ساسی نژادش مداد حواخواهانش رسیدند . البته ایرانی و برای نزد را سزد که امروز فخر و تشکر بر اقدامات غیورانه حضرت مصمص السلطنه و ضرقام الدوله و ایلات بختیاری ما . ما آذربایجانیاها دست اطوت از دور بدست آن برادران غیور خودمان دهه و دورا دور مصافحه و لحوش آمدنی نموده از دیاد امثال آنحضرات را از خداوند حی قادر و قدیم مبیانم و نفع و نصرت و قهر و قلبه هموم مشروطه خواهان را بر زحمه استبداد مبعواهم . زنده باد ایلات بختیاری و روسای غیور وطن پرست شان (شفیع آذربایجانی)

قتول می شوند ، اتصالاً سر برده ، بازو بدم ، بدن بده ، که از زمین هوا می بارید ، بقية السیف سواران رو برار می گذارند مجاهدین تعاقب شار کرده (سر درود) با کله چندان از اینها مقتول مینمایند که راه تمام بر از بدن اشعار میشود و تا (سر درود) که دو فرسخی شهر است می نازند ، و در این دعوا بدون اشراق و دروغ بکنفر هم از مجاهدین مقتول نمی شود و از قرابن گویا در زیر زمین (مین - سرنگ) نصب مینمایند که ما قوه الکتریک از تبریز هاجرا را زیر زمین سازند ، این است حالت امروزی تبریز و تبریزیان ، دولتبان میخواهند خوبند یا تلگراف کنند که ما چنین کردیم یا اندکی مانده بود چنان بکلمه حیف که شواستیم بکنیم ، متعجب است که قشون ملی صفحات آذربایجان را پاک نموده طرف طهران رهسپار گردند

تالوا الی کلمه سوله بیننا و بینکم (ان لانبذ الا الله ولا تشرك به شیئاً)

ای سرداران ملت، ای نامداران ایران که در راه حمایت ملت مظلومه و محافظه حقوق چارگان کرمیت دفع استبداد استوار فرموده و قرینه الی الله میخواهید این اسراء صد و چهل ساله را از قید اسارت آزاد نمایید و از فشار ظلم و جور استبداد رهایی بخداوند یارو ولی عصر مده کارتان باده هیب رتبه غیبیه بشاهها داده شده و فریب خلق از مخزن لاریسی رقابت و هفتیان انعام گشته (منیاً لکم ثم منیاً لکم) که رفع این مظالم بدستگیری شاهما صورت گرفت و خداوند شاهما را بد انتقام خود مقرر فرموده ، دلهای سرده را از برکت همت شاهما حیات ابدی بخشید (ان ذالک لمحیی للون واه علی کل شیئ قدیر) و جایای سرحته را از زمین اقدامات مردانه شاهما سرهمی رسانیده ، سی کرور ملت ایران باید به سیابت اسلاف مظلوم خود و بوقالت اختلاف آزاد خود از این جوران مردیه و قنوت شاه بزرگان و اموران دریا دریا امتنان و دیبا دیبا تفکر بحضرتان عرضه بدادند ، در حقیقه شایسته هرگونه تعجبید و تنظیمید و ملت مظلومه مرکز خطرات و احسان شاهما را فراموش نکرده و از سپاسداری

دقیقه فرو گذاری نخواهند نمود ، زیرا سکه ضرورت السایهت خارج از انسانیت است که یکی دیگری را از جنگ ظالم در شدت فشار که راه چاره از جمیع جهات معدوم باشد برهاند ، و معلوم شد از آزادی این احسان را فراموش باید ، نشاء الله بعد از این حراند آزاد که زبان ملت است و بحکم استبداد قطع شده بود در ادای تشکرات آن وجودهای بی نظیر جها خواهد سرد و سلا بعد نسل آسلسله حایله غیرت و قنوت دارای چه قدر تعظیبات و تحیلات از مات مظلومه خواهند بوده ، ملت بران ملک بحرام بست ، قدر دان و قدر شناسی در جیل ایشان بودیه گذارده شده و خلاف طبیعت نمودن سی دشوار بلکه محال است ، علاوه بر این در صحایف روزگار ام نامی شاه بزرگواران بقم طبیعت ثبت است که امکان محو در او نیست (نوشیروان هرد که نام نکر گذاشت)

بعد از ادای مراتب امتنان و تشکر استعظیبه ملت مظلومه است که بفاد الاحسان بالانعام جوان مردی خود را درجه نهایت رسانید و بر مات مظلومه که خودتان هم از افراد وی هستید ملت بگذارید و طریق حزم و طالبت اندیشی را از نظر دور ندارید مبدا مبدا در مقصود خود شخصیات را راه بدید و نیات مقدسه خودتان را مشوب باغراض نفسانی فرمائید و در میانه سرداران اختلاف مقصدی واقع شود و روزگار نکام حریف گردد ، تا شوانید انهاد ملت را صدمه زینند و مادر وطن را محروم سازید و حضرت ولی عصر را از خود بر مجابید (فان الا حاد الوف اذ ائلف) (و الا لوف احاد اذا افرق)

مبدا کاری شود که معافه شق مصای ملت ایران بشود که حکم بدس ان شق عصا و تقریبی جملات و اختلاف ولایات قبایله استبداد را همسر دول اروپا خواهد رسانیده و دول احنیه را دعوت نامه ها بدست خواهد سپرد ، بن دولت شش هزار ساله را باید نازک در این بیماری سحت ، عصر الملاج بر ستارسیه فرمائید و الا اختلاف هان و ناله الوداع هان ، البته خود سرداران و نامداران همز میدانند که حصول محرم محیط از اجتماع قطرات است و وجود حبال از تراکم ذرات ، اگر تفریق

پیمان آبد نه از دریا سی است و ه از کوهها رسی
اگر ملت انگیز به جنات مختلفه قریق شود اضعف
ملل باشند، و اگر ملت ایران متحدلتصور باشند قوی
ترین ملتها گردیده البته شایسته نامداران ایران است که
که دست الفت بهم داده و از سمج قلب طریق محبت
پویند و نام بناسیج مخبره و مکاتبه گذارد و فعلا
انجمنهای ایالتی را مرجع هرگونه میات و مطامع نام
افراد ملت دانند، تا اینکه بوزناته وقوه مجلس شورای
ملی معین شود، آنگاه مرجع نام انجمنها معین خواهد بود
و انجمنها هم تأسیس جدید کتب آمل ملت بواسطه
مکاتبات باهم دیگر شور و مصلحت نمایند و مقابرت را
بکلی از میان بردارد و نهال محبت را در باغ وطن
بکارد و نمره او را به اناسیج و وطن بخوراند، واته
اگر دو ولایت و دو انجمن و دو سردار باهم اتحاد
نمایند ریشه استبداد خود بخود بریده و رنگ رخسار
مستبدین بریده گردد، زیرا که استبداد قوه مقابله با دو
سردار ندارد و در مقاومت یکی هم جای تأمل است
و من الله التوفیق

تقل از روز نامه شریفه شمس

تکرکات بانجمن سعادت

تلکراف تبریز - انجمن سعادت - از اخبار موخته
مقتضیه راجع بانکه بعضی از سرائر تمدن ظلم میخواستند
نتایج زحمات و فداکاریهای سه ساله این ملک مشیت
مطلوبین ایران را سکه خوهای زیاد در راه تحصیل
آزادی خود ریختند بواسطه اطانت قدی دربار مستبد
ایران بهر مدعت نام این ملت را که از جنوب تا شمال
امروز در حال قیام هموم مضطرب شده باصاف و
وحدان ظلم تمدن پناهنده و شام نوع برستی و حمایت
حریت ظلم انسانی میکنیم که مساعی جبهه خود را در
جلوگیری مداخله خارجی در امور داخله ما و رفع
استبداد بذل فرمایند، ملت ایران پرست میکند بشدت
در خصوص یک استقراض که محمد علی شاه می کند
و با این اعلان ملت ذمه دار شدن خود را اعلان
می نماید - (انجمن ایالتی ستارخان - باقر خان)
تلکراف نجف - از حال حالیه تبریز و سایر بلاد
فوراً اطلاع - (حجة الاسلام زاده خراسانی)

تلکراف اصفهان - امورات مرتب جز افتتاح پارلمان
مقصودی نداریم همه ما اعلام کردیم جانا انالی هم
اعلان کنید (مصصام الساطه - انجمن ولایتی)
ایضاً تبریز - از مسئله استقراض اهالی مضطرب
از مقامات موثقه تحقیق و اطلاع دهید، انجمن
تلکراف رافون - خبر تلکرافی که تبریز بواسطه
حاکم شاه نخویل گرفته شد آیا صحیح است یا نه
اسماعیل شیرازی

ایضاً تبریز - صد و جهل نفر از استبدادیان
مقتول، مطلوبین مراجعت - ملت طالب - انجمن

رفع اشتباه

در حریده مبارکه جبلالتین نمره ۲۷ احوالات
سید سعید شهید مرحوم آقا سید جمال الدین اصفهانی
طاهر تراه شهید اسلام و حریت و عدالت را که منعرض
شده بودند فی الجمله مسامحه رفته، داعی محبه دو
نکته در مقام مزاحمت و رفع مسامحه برآمد، اول اینکه
اسم این سید جابیل شهید باید در تواریخ باند و جریده
مبارکه بهترین تاریخست در این دوره و ماجرای آن
مرحوم شهید خبر آن طوریتکه در جریده نوشته شده
آنکس که برای جناب عالی نوشته درست مطلع نبوده،

دوم اینکه نسبت تقل مظفر الملک با کمال رؤفای ایشان ما
آن مرحوم شهید و نامشروطه خواهان دیگر خلاف
انصاف است، تفصیل این اجمال آنکه مظفر الملک بحبه
باد دادن البسه پشمینه که در طهران داشته نوکر
خود را بطهران فرستاده در عراق ملاقات آن نوکر
با سید شهید درگاری خانه میشود، آن بدخت از
سید بیچاره سوال میکند تا زم کجا هستید، سید از روی
سداقت میگوید همدان میروم، نوکر مذکور با سید
مراجعت میکند و باهم ورود میکنند در شهر، آن
بدخس کتب سید می آید تا مزاش را مطلع شده
فوراً می رود مظفر الملک اطلاع میدهد، از قضا حاجتی
از مستبدین یعنی بزمیه های جهلم در محضر مظفر
الملک حاضر بودند، هرچه مظفر الملک باک و دست
اشاره میکند بلکه مطلب را نگویید آن بدخس
تقمیبه با خود را به تقمیبه می میزند، تا اینکه
مظفر الملک مانعاً بگرفتگی سید میشود هنوز سید

چنان دوست کرده را نخورده بود که فراشان ریخته او را در محضر حکومت حاضر مینمایند ، ناچار مظفرالملک هم اطلاع بطهران داد ، دو روزی سید را حبس نمود بعد از دو روز او را از حبس بیرون آورده انیس و جلیس خود ساخته با او بکمال احترام سلوک می نمود . هر جا میرفت با خود میرد در بین هم نزد ملاها فرستاد که آنها تلکرافاً شفاعت کنند از مرکز استبداد و رهائی سید مظلوم را از قتل خواستار شود ، از آنجا که بین سید شهید و این طایفه امینت کلی بود سید مرحوم دایمی الی المدله و اینها خود ظالم یا کاسه ایس ظلام بودند شفاعت نکرده اسپهال است امام شنبه همدان یقین داد که اگر من نشوایم او را دو ذر جوب هلاک میکنم ، عزیزد رعایت این ظلام بدبخت بطهران تلکراف کردند که مظفرالملک تا سید مسامحه نمکند ، از مرکز استبداد یعنی یزید تازی حکم جدی بتل سید صادر شد ، مظفرالملک هیجان عمومی را به راه نموده این کار بزرگ را از گردن اداخت ، از طهران حکم شد سید را به بروجرد به برند که تازی هر سه امیر افخم مباشرت کند ، از قضا پسر هر سه احتشام الدوله با فوج طازم همان سمت بوده سید بچاره را برد (شورین) که قریه ایست که خان امیر افخم در آنجاست سید را با زحر زیاد به بروجرد رسانده یک ماه هم در آنجا محبوس بود تا باز از یزید تازی امر بتل صادر شد ، این امیر افخم علاوه بر حبس ذات حماقت ذاتی هم داود جهان خیال کرد مجرد امتثال این امر بدشوم کار استبداد تمام است ، این بود که شب میرزا بزرگ خان پیش کار را منزل سید فرستاده او را حقه کردند نه با طناب بلکه دستمال ابریشمی بخلاق سید مظلوم کردند تا سید شهید شد ، فردای آروز هر سه در سبیل استهزاء و سفییه رو میرزا بزرگ مزبور نموده گفت بی هم خود را با آنگور یا آمارکتی ، روز دیگر شهرت دادند چونکه سید مبتلا بافیون و مسکر زیاد خورده بود ازین حیث فوت شده ظلم را به چیلید تا به اندازه است بگشفتن تنها شفاعت نکرده نیت شرب مسکر هم بسید دادند (وسیع القین ظلموا ای منقلب بتقیبون الا لئنه الله علی القوم الظالمین) پس سید یزیدی قدری از مسامحه و نیک نفسی

مظفرالملک و بدغنی بعضی رطلام آخوند صورت همدان را مرض رسانم ، بعد از آنکه مجلس مقدس بنویس ظلم مهدم شد این ظلام بدبخت یعنی آقا ابراهیم و امام شنبه و ضعی دیگر و شیخ الاسلام مظفرالملک را فهرست داده که قرب سید فر را باید بگیری و قتل و حبس نمایی ، مظفرالملک مسامحه نمود از او که مأیوس شدید بطهران تلکراف کردند ، از طهران امر آمد بگرفتند این صدفر ، مظفرالملک شورش عمومی را به راه نمود ، سپس آقایان ازین صد ، بیست و چهار نفر انتخاب نموده بطهران تلکراف نمودند ، باز امر آمد بگرفتند این جمیت محمد مظفرالملک مسامحه نموده بطهران مجز خود را ظاهر ساخت ، آقایان شش نفر را انتخاب کرده باز بطهران تلکراف و از طهران ارواح محسام الملک پسر امیر افخم شده و او در سده گرفتند آن شش نفر برآمد بعضی در مقام آن جوان برآمده ازین کارش نار داشتند (مراد از بعضی مظفرالملک است) از اول پیش آمد کار و مظفرالملک گفتند ما معاطفه میکنیم گرفت و گیر مشروطه خواهانرا به بیست پنج هزار تومان ، آن سرد ما اینکه مساکت ندیش کشتن و ستن و پول گرفتن بود مصلحت آنقدر مسامحه نمود و از کارهای همین امام شنبه همدان که مطلوبی ندارد جز تریاک کشیدن این بود که زمین مدرسه را از پول موقوفات مدرسه دکان بمسازد و نام خود میکند در زمان مشروطه و مجلس طلاب براساس موقوفات مدرسه فی الجمله های و هوی کردند ، بعد از سه روز طراب مجلس و هیات فای طلاب را برده در باغ و به جوب بست ،

اما آقا ابراهیم که خدا و پسر و حشر و شر او را محصر و بیرون است بعد از حکم آقایان محرمت دادن مالیات ، در همدان انتشار پیدا کرد سرام جمع شده گهتند مالیات مهدم ، مشیرالسلطنه صدر اعظم هفتاد ساله پای تلکراف آمده فرمود آقایان بجناب احکامش ن پیش شاه ناره آمده که فرموده اند این احکام دروغ است ، حیا نکند و دوع باین بزرگی که بعد از بازده روز معلوم می شد و آقایان بیست ، بعد از بازده روز از طرف آقایان عین حکم رفته و سابقا عکس آن رفته بود بعد از آنکه عین حکم آمد روها سپاه شد ، اهل همدان بسر حالتی که جناب

حاضر نبودن اسباب احرای استبداد و اطمینان از نظر دور
 بدارد. بواسطه محالک و سببی که این دو دولت در آسیا
 دارد نمیتوانند این را باین حال حاضر بکنند. این
 مجلس خصوصی ایکه درباریان تأسیس کرده ابداً بقریب مقام
 پارلمان تواند شد. بناء علیه بجهت رفع احتیاجات
 مملکت افتتاح پارلمان از واجبات است.

✧ حرهای رشت را پیش نوشته بودیم و چون این
 شهر در گذرگاه مفاصلات اروپا و روسیه واقع است
 باین واسطه ضرر زیاد به تجارت تواند خورد.
 ضرری که تجارت اروپا وارد می آید نه از راه ماضی
 طرف و شوارع است بلکه ایرانیها که طایفه زینت و
 زیور بودند بواسطه این اختلال از آبخمال افتاده اند.
 و این مسئله سکنه بزرگی به تجارت وارد آورده

✧ ایران با همه این اختلال من حیث المجموع در میان
 سعالت کامله نیست و این خیلی اسباب اطمینان است
 و حیه آن هم اینست که طبقه زراع و دهانی ها بی
 حقوق خودشان برده اند. بنابر این تأسیس مشروطیت
 با حرکات طفلا دربار مظاهر سعادت بودن ایران
 قریب الوقوع است

✧ مخبرات تلگرافی میان رشت و طهران مقطوع
 تلفون راه روسی به مخبرات مکفی نیست. بعد از
 حتم حرق و قتل. انجمن منظمی در رشت برپا شده
 مردم در کمال امنیت بکارهای خودشان مشغولند.
 بمواقع لارمه قراول های مخصوص با لباس قرمز که
 نشان حریت است گذاشته اند. در این وقته رشت
 جماً هفتاد نفر مقتول شده اند

✧ مابوسی دربار را از پیش زلفتن خیالات ظالمه و
 صرف نظر کردن اجبارت روسی از حمایت استبداد
 و افکار همومه انگلستان باحرار امید تازه بخشیده.
 بر عکس دولت روس میخواند ایران را مصر نای نباید
 (شب آستین است تا چه زاید سحر)

✧ بموجب تلگرافات طهران روز بروز کارها وحکم تر
 می شود. کمال می رود که در این روزها طرفداران
 استبداد متفرق و حکم افتتاح پارلمان داده شود
 ✧ سواران قراچه دانی درین جلقا و تبریز مشغول
 قارت و پنا هستند کاروان هارا قارت میکنند سفرای
 روس وانگلیس در این باب به نشیبات لازمه پرداخته اند

حاجی شیخ نافر و آقا شیخ علی دکانکین را بته و
 امتناع از دادن مالیات نمودند. آقاخان ظلام آقا ابراهیم
 امام شایه. آقا محمد هادی. بطهران تلگراف کردند. این
 مطالب از مساعده مظفرالملک است. این بود مظفرالملک
 معزول گردید و شهر سپرده مصام الملک پسر امیرافخم
 شد. دنیا تکام آتانیکه خدا و پینموشان بیرون و
 موقوفات است گردید. خیال کردند از فشار آوردن
 بچهار نفر مشروطه طلب همدن کار استبداد تمام است
 تبریز و صفهان و مشهد و لار و تنکان و طوالش
 و استرآباد و جامای دیگر ساکت خواهند شد. این
 بود که بعضی از مشروطه طلبان را در بیرون
 حواست کتک زدند و بعضی را نفویف و تجمید
 نمودند و پیغام دادند برای اهل بازار که اگر شما قیام
 کردید مشروطه خواهی ما هم قیام میکنیم در ظلم
 خواهی. اف بلکه تف بر این مردم ۱۱

ترجمه از جرائد خارجه

✧ طمس بنویسد بخار مخصوص که بایران فرستاده ایم
 چنین نوشته - الیوم هلاوه بر سه ایالت بزرگ ایران
 که مسلماً بر ضد سلطنت استبدادیه قیام کرده سایر شهر
 های ایران حتی خود طهران هم آشکارا در علیه
 استبداد هستند. با همه اینها بجهت عکس مکان یا بجهت
 دیگر درباریان ابداً و ا هم ندارند. اردو بی
 بالمشاه حیل بصدقات خدمت میکنند. اما تاکی
 خواهند توانست معاشی اینها را برسانند معلوم نیست.
 چون خزینه نکلی خالی است و از منابع دیگر هم
 دیناری پیدا نمیشود. چیزی که قوه معنوی استبداد داده
 الحاق سعادتمند است با آن همه مشروطه خواهی
 که داشت.

✧ مخبر ما میگوید دربار با میل خود یا باین قسم تصاحیح
 مشفقانه دولتی باعاده مشروطیت ابداً راضی نخواهند شد.
 چون چنین تصور کرده اند که ملت اگر دست بیابد سلطنت
 را از خاندان قاجار ماقروض خواهد نمود. پس مادامیکه
 دربار در این خیال است ابداً راضی باقتتاح پارلمان
 نخواهد شد. هر قدر که درباریان از دوستی روس عقیباً
 امیدوار اند از داخل بودن انگلیس هم مخوف اند.
 دربار باوجود گوش نکردن تصاحیح دولتی را بالظن

§ برای عدم قبول ملتجی ها در سفارت طهران نظر بتبشبات دولت روس که به دولت عثمانی نموده وزارت خارجه عثمانی بعضی ایضاحات از سفارت طهران خواسته است

§ صباح مینویسد - احرار تبریز در پیترسبرگ به برویسر (میلپوقوف) تلگرافی کرده بر طرف روسیه را در کارهای ایران خواهش نموده اند. چه در بعضی ممالک متمدنه حمایت از استبداد در حقیقت شایان تأسف است. ملت ایران که این همه دوجار قدر و ظلم شده اند از ظلم معذرت تمام عدالت و انصاف استعدای معاونت که عبارت از بی طرفی باشد مینمایند

§ درباریس رضا شدن محمدعلی را تأسیس مشروطیت مظلون خبر میدهند

§ ترقی مینویسد. علماء مردم طهران را قیام آشکارا دعوت مینمایند. علماء و مجتهدین لطفهای آتشین میکنند. خود مأمورین استبداد شکایت از ظلم و جور دربار مینمایند. امروز و فرداست که ملک بیجان بزرگی در طهران واقع شود

§ از ترمز وقوع دعوا و محاربه های بزرگ را خبر میدهند ولی هنوز تفصیل معلوم نیست. بواسطه افتشاش و شت سفرای دولتین دربار رجوع کرده بلکه آن اول اصلاحات لازمه را خواستگار شده اند. شورا سپه مصنوعی دولت از صبیح تا شب مشغول مذاکره است بجهت ظلم این ظلم و جور در حرکت طهران ستارخان به حضرت مصمص السلطه در سؤال و جواب است § غیر مخصوص ترقی از رشت می نویسد که حضرت سپه دار تا به حلال و حتمی وارد شد تمام اهالی شهر پیشواز کردند برسیدن دارالاماره سرکردگان ملی را نزد خود جمع کرده مشغول شورا شدند. میان این سرکرده ها صاحب منصب اروپایی نیز هست. شورا هشت ساعت تمام طول کشید. نتیجه ظاهری این شد که باطراف آدمها فرستاده خلع سلطنت مستبده را بر حسب فتاوی علماء رسماً اعلان نماید و در هر نقطه از نقاط گیلاوات انجمنها دایر نموده و دسته های مجاهد قریب داده بیک جا جمع شوند. بعد از غایب با ستارخان و اصفهان توأم بطرف طهران حرکت کنند. و این هم در صورت قطع شده است که دسته جات طلایی به تبریز

رفته اردوی عین الدوله را از عقب محاصره گرفتند در طرف حله پیاورند. متمولین رشت از حضرت سپه دار هیچ چیز مضایقه نمیکند. هرکس با اندازه خود فداکاری مینماید. فورحانه حکومتی که دست احرار آمده عبارت از ششصد قبضه تفنگ و سیصد هزار تفنگ و باروت زیاد بوده است

§ در انزلی انجمن ولایتی ترتیب شده کارروائی میکنند میان اهالی نشانت صربی حکم در طاقت. دسته جات مجاهدین از همه طرف جمع میشوند. شیخ الاسلام طالش با جمعیت زیاد بعنوان کمک محاربتت و همیار گردید.

§ دورنامه (نوپوریهیا) مینویسد کار نکردن حکومت. احرار را حرمت ناره بمشاید. اوضاع رشت اهالی طهران را خیلی جور نموده بواسطه اقطاع سیم تلگراف با تهران راه شوشه هزاره. بکشته و در راه طهران علی الدوله شورا مینمایند. اوضاع رشت بست فرنگستانرا خیلی بخوف اداخته رسیدن کافذهای سردا بسته عیال احرار است. در حکومت بافشاء اصلاً قابلیت کارروائی مانده نمی است که طهران در همین زودی محاصره شود. مثل سال ۱۹۰۰ (یکن) طهران هم قارت شود. بین ستارخان و حضرت مصمصام هزاره جاری است. هر دو متحداً در فکر حله بطهران اند اگر اینها بطهران حله نمایند قشون دولتی هم بطرف احرار خواهد رفت. نظر بقدر دربار و کار نکردن حکومت بجهت محافظه راه شوشه ازلی و رشت الی طهران و نگاهداری طهران را از محصره لازم است که روسیا علی الدوله در مادکوبه قدر لزوم سرماز مویا نگاه دارد. که در حین لزوم رای حفظ آبش با ایران فرستاده شود

§ بست فوسولخانه روس و که تبریز میرت اتباع صمد خان سه دهه در راه مطلق کرده اند مأمور تلگراف عرض راه که ایست روس میرتت نزدیک بود که تا سیم حرار کشته شود. دو روز است که در بازار تبریز باغ کم گیری آمد. گندمی که بشهر میآورد از طرف آدمهای صمد خان ضبط می شود مجاهدین تبریز و خامت کار را فکر کرده بطرف صالح میال آمده مجاهدین فمقاز تبریزی ما را تشویق بمداغه میکنند بجهت اسی نظر ادرتی مسامح تا تفنگ های ما روز

وارد شده‌اند

§ مامورین حکومت مستبده در رشت تمام قتل رسیده‌اند. خانه حاجی خلی را نیز آتش زدند (گویا نفسی دیگر تطهیر می‌شد)

§ خبر رورانه (روستویه سلوو) از طهران بجهت کسب اطلاعات خود نزد بهسالار دولت امیر بهادر رفته مذاکرات حصوری را چنین اطلاع میدهد. امیر بهادر در باغ شاه ملاقات مرا قبول کرده در کمال طایفه و قوت قلب جواب سؤالات مرا چنین داد. که چند روزه انقلابات ایران تمام میشود. بجهت رشت قشون ریادی خود هم فرستاد. فرمانفرما هم بلاشک و شبهه باصفهان رفته مختاریها را مغلوب خواهد نمود. بجهت تأدیب ستار خان هم قشون ریادی به تبریز فرستاده‌ایم تا همه اینها دولت در این خیال است که این کارها را با صلح و مسالمت انجام بدهد. در این باب با رؤسای اشرار در گفتگو هستیم نتیجه این چند روزه معلوم خواهد شد

§ دست‌های چابار از رشت بجهت اصفهان و تبریز و خراسان از طرف احرار ترتیب شده و اولین شاه چابارها را مقصد حرکت داده‌اند. پدر حضرت بهدار حاکم اترلی معین گردیده است

§ (پروویجا) مینویسد دربار حکم قطعی داده که فرمانفرما باصفهان برود. اما لطف ایجاب است که حکم سحت دربار معلوم و اطاعت فرمانفرما هم واضح است ولی فرمانفرما آیا آسین‌ها را بالا رده باصفهان برود؟ سکو قشون و کو پول. این دو لازم است که وجود ندارد. برای اطعمای بابر رشت تا آن همه ضعیف است بدربار مستولی شده بود فقط دو هزاره توپ گومی آهم تا الاغ با قدری سرماز حلت و عریان فرستادند پیشتر ممکن شد

§ حکومت طهران بتوسط قوسل روس در رشت با حضرت بهدار مشغول مذاکرات تلفوی است و مذاکرات را محرطه میدارد. همین قدر معلوم شده که دربار استبداد مطالبات اهالی را قبول نمیکند فقط امیر بهادر را بدست اهالی نمیدهد و این را هم اهالی قبول نمیکند

§ اول چابار ملی تبریز برشت وارد شد بوضع مخصوص

اهالی چابار را استقبال کرده هر یکس قسمی احوال تبریز را می‌پرسید. نظر بانظهارات چابار آدوقه زیادی در تبریز موجود است میان قبی زاده و ستار خان هم اتحاد کامل هست. این روزها باردوی عین‌الدوله هیوم سحت خواهد شد. انتظار دسته‌های که قرار است از سمت ظرافزور بیایند میکنند. کالندهای مخصوص که چابار آورده بود بهبهار تسلیم نمود

§ خبر مخصوص طمس از ایران می‌نویسد انگلیس کمتر از روسیه مضرر تجارت در ایران نیست و حال آنکه بجهت دادن مالیات و سایر عوارضات امسال رطایب ایران از حقیقت پول راحت تر از سالهای دیگرند

§ دربار استبداد خودش را در کمال قدرت تصور کرده در اطاعت قانون اساسی اصحاب دولتین را قبول نمیکند. دولتین هم که فشار نمی‌آورند معلوم نیست طاقت کارها چه خواهد شد

§ مدیر طمس می‌نویسد احتیاجات شاه قشون و پول قدری که زیاد شد راضی باقتراح پارلمان خواهد شد. همه مختاریها بطهران مستبدین را زود تر بحال خواهد آورد

§ صدر اعظم دولت انگلیس مسیو (اسکویت) نطقی درباره ایران کرده که خلاصه‌اش اینست «احوال سیاسی ایران خیلی وخیم است شاه بوعده خود وفا نمیکند مادامیکه افتتاح پارلمان نشده کارها صلاح نخواهد شد. دولت انگلیس هیچ وقت طرفداری از شاه نخواهد کرد و قرض هم نداده هیچ عنوان کمک نخواهد نمود چون باینکه مشغوم شاه امروز بعالم تمدن خیلی مضر است»

§ از رشت خبر رسیده که مذاکرات دربار با بهدار تمام منتج نبوده نشد. دربار بمنزله امیر بهادر راضی است ولی بدست احرار نمیدهد و یکی هم میگوید اول احرار اسلحه را تسلیم بایند بعد حکم به افتتاح پارلمان داده شود این را هم ملت قبول نمیکند اهالی رشت تا کالبر سرعت حاضر سفر طهران می‌شود

§ وزیر خارجه انگلیسیان در مجلس مپورتان تقریر دلی را نموده است. در صورت قطعی اعلان می‌نمایم که بعد از این دولت انگلیس در هیچ مرحله‌ای و مقام

استقراضی که دولت ایران میخواهد بکند شرکت نخواهد بود چون شاه ایران بدفعات تقض عهد کرده و سابقاً در دوات انگلیس را نظر دقت نکرده در مسلك مهلكی كه پیش گرفته عناد مینماید، ماداميك شاه عهد های كه بدوات انگلیس داده وفا نكند و تغییر مسلك کرده مشروطیت را اعاده نماید ابدأ ز دولت انگلیس مساوت و مساعدت نخواهد دید.

این اعلان معلوم است هم حرارت شایشالها را در پتوسبرگ و هم حرارت درباریان را در طهران مثل يك كاسه آب بخ اظفا خواهد نمود، برواضح است دولت روس كه امروز با انگلیس در هر كار متحد و متفق است این اعلان هم شركت کرده بدون انگلیس كه قدم حلوتر نخواهد گذاشت، امروز فرود است كه نتیجه این اعلان در طهران معلوم گردد.

فق مینویسد - مقرران دربار امروز يك مسلك بسیار مهلكی پیش گرفته اند كه ضررش باستیداد بیشتر باید است تا ماحرار و آن اینست ، نظر به بیطرف بودن دولت روس محض اینکه او را حساب میاوند در پنهان و آشكار قصد اتباع روس میکنند و محریك این كار از امیر سادر است كه امروز دیپلمات دربار خودش را معرفی مینماید !!

حالت طهران خیلی مخوف است بجهت اعاد ، آسایش میگویند لیاكوف حكم نظامی معین خواهد شد ار رشت خبر میدهند دوازده عدد توپ و هزار قبضه فشك از ذخیره دولت بدست احرار افتاده است

دلی کرانکل می نویسد انجمن ایالتی تبریز تلگرافی به انجمن اصفهان فرستاده و آنها را دل گرم نموده كه مقابل تشویش كه حكومت ماغ شاه فرستاده باید ایستادگی نمایند - تلگراف تبریز سبب حلو گیری طهران مجبوراً در انجمن سعادت اسلامبول فرستاده شده و از آنجا به پوشهر و سپس به اصفهان میرسانند - عین الدوله نمرهای خطوطی را كه برای تبریز فرستاده بودند ضبط نموده و تبریز بزودی برای نمر خطوط محتاج خواهد شد - ولی مشهور است كه نمرهای مشروطه فقرب در آنجا جاری خواهند نمود و بوقتی برای طالبان و جمع كنندگان نمرهای حاصل خواهد شد

اما با این نمر جدید مشروطه خطوط به اروپا خواهد رسید یا نه باید دید

دلی مبل مینویسد - فعلاً دیده می شود كه دولتین انگلیس و روس هیچوجه از معاهده خود در عدم مداخلت با ایران تجاوز نمایند و مداخلات در امور داخله ایران كنند - هم چنین از جانب دیگر بذرایع دیپلماتی زور می آورند كه در مملكت ایران البته سلطنت مشروطه قائم شود

هر روزه اخبارات ایران پیش و خوف و نازك حالات زیاده می شود و طرفداران مشروطیت مطالبه با حقوق خود را می نمایند - رشت و اصفهان طابق النعل بالنعل پیروی از تبریز ان نموده علناً در مخالفت مادولت مستبده ایستادگی می نمایند - از واقعات و پیش آمد حالات جهان معلوم می شود كه اگر جادى مدین ملوال بگنجد مجبورا مداخلت خارجه لازم خواهد افتاد ولی علوز بسیار موقع در دست است كه بتوانند امور را بدون مداخلت اصلاح دهند وقایع نگار اخبار (ویلز) می نویسد كه حكومت ماغشا از خود را به بعضی از اعضای پارلمان سابق اداخلته و خیال دارد بذریعۀ آنها با بنامدگان سفارت خانه های از طریق مصالحه درآید - مشكل دیده می شود كه اختلاف بین این حكومت و ملت دور گردد، چه اشخاصی چند در میانه این دو حائل اند كه بمواد گذاشت مصالحه شود

آنهايكه مطلع اند از حالات ایران بخوبی آگاه شده اند كه از خوف خود شاه پارلمان را بطرز قدم امضا نخواهد نمود - و همچو با وحالی كردند كه اگر چنین كند از دست خود خویشتن را به ملجنیق ملاك بالا خواهد برد و سلطنت را از دست داده ، نیامی را برای خاندان خویشتن خریده است

خبر خواهان ملك باید موقع شناس و زمانه سانج باشند

مملكت ایران امروزه نسكن نمی یابد باحكام يك فر بادشاه ، ملك زمانه را نكند كه اهالی ایران را راف داشته رای تربیت جمهوریت

وقایع نگار اخبار مذکور می نویسد كه سعدالدوله وزیر خارجه كه تنها شخص بر معزی ایست درین كلیت

حالیه و از تربیت بافکنان اروپا بشمار است ملاقات
عموم، مشارکلیه اقرار بر ضرورت بعضی اصلاحات
دارد - و اظهار داشت که از قابلیت حکومت حالیه
رای آن اصلاحات نا امید نیست و میتواند اجرا داد،
اغلاب بلاد را هم با دور اندیشی میتوان رفع عموم
تغییر و تبدیل در اصول سابق خیلی ضرورت
است، شاه شخصاً راغب بطرف مشروطیت است
ولی نخره این دو سال اخیر و طریقه که مجلس پیش
داشت نامت عمده است که اهالی ایران تاکنون آن
استعداد و قابلیت را پیدا نموده اند که این گونه مجلسی
آزاد باها داده شود

مقتیده من چیزی که ابرازاً فعلاً ضرورت است
اصلاحات ضروریه ملکی و اداری است، و برای این
من خیلی تقصیرها نشیده و شروع از اداره خودم عمده ام
و علقریب او را نظر نمی کرده و اجرا خواهم داشت
بعداً سمدالدوله اظهار داشت که لازم است که
شالوده کار درست گذارده شود تا رفته رفته کارها
قوت گیرد، اول راهی که دولت اختیار خواهد نمود
انتظام بلاد است تا سهولت در کارها پیدا شود

وقایع نگار موصوف درباره نگرانی طالبه ایران
در صورتیکه استقرارش شود برش نموده چنین جواب
شئید البته کسی از نگرانی خارجه بر طالبه لازم است
ولی خیال او بر این است که ایرانیان هم بعدها قابل
کار خواهند شد

یکی از دوستان صمیمی سمدالدوله خیالات او را
جلین بیان نموده که این مرد دنیا را برای وجود خود
می خواهد، رأی سیم و مسلك مستقیم ندارد، طرفدار
شخص خود است کار مشروطه و مستبده و ملت و
دولت ندارد، زمامیکه طرفداری از مشروطیت می نمود
رای این بود که رئیس مجلس شود، رئیس الوزرا
شود، و بدون حرف قول او را ملت تسلیم کند،
وقتی دید جلین نشد از مجلس انحراف ورزید،
پناه قول داد مشروطه را مفتی نماید، همین شخصی
که امروز بزبان خود بدوشت صحبت میگوید ایران
مستند مشروطیت نامه و آزادی مطلقه نیست بزبان خود
میفرمود امروز اوضاع ایران داعی به جمهوریت است،
حالا چون میباشد که اگر در ایران مشروطه عمده نماید

سالها باید در سفارت خارجه شناخته ماند مسلم است
که همچو شخصی با این حال هرگز رضا بشروطیت
ایران نتواند داد گذشته بر این سمدالدوله را خدا
پول - پیغمبر پول - امام پول - دین پول - وطن پول -
ملت پول است و پول در اداره استبداد و اصول
خود سری پیدا تواند شد، پس از هفتاد سال امروز
سمدالدوله بوزاری رسیده که میتوان چهار شاهی پیدا
کرد، مگر سرش را داغ کرده اند که رأی بشروطیت
بدهد و فلاکت های اولیه را برای خود عمده نماید

وقایع نگار مذکور مینویسد که آنچه درین قابل
زمان معین گردیده مانع حقیقی از عمده مشروطیت
در ایران اول امیر بهادر و دوم سمدالدوله است بلکه
مصالحه نامه بمشوره لیاکوف و چند نفر از روسیان
درباری سمدالدوله ترتیب میدهد و بخمال خود با الفاظ
دبلوماسی ملت را راضی خواهد کرد و فرضش آنست
که اگر ملت قبول کرد که کار بر مراد و اگر نکرد
بدین وسیله بلکه ملت را در انتظار خارجه بتوانند
بدنام نموده برای خود در اروپا حامی پیدا نمایند،
استقامت رأی، سلامت مسلك سمدالدوله ازین ظاهر
می شود که بوقایع نگار نویوریهای روس در چند هفته
قبل بیان نموده که نجات ایران ملصصراست به تأییدت
سری و علقی روس، اگر عقیده اش این بوده اف
بر این عقیده و اگر پلنیکس جلین اقتضا کرده تف
بر این پلنیک

§ (فرانکفر زینتنگ) تلگرافی از طهران ۱۶
فوریه بدین عنوان اشاعت داده - سلطنت ایران را چون
حال خیلی بمقام نازک رسیده آنچه توپ در توپخانهجات
موجود بود حکم ببردن باغ شاهی داده - نور خاه
باندازه توپخانه موجود نیست، ازین رو دست و پای
دولت گویا بسته است، بر سر بازاران شاه ابداً اعتماد
ندارد فقط بریکاد ترقاق است که قابل اطمینان میباشد
و خیلی خدمت بشاه مسک کرده است - آهم که در
اطراف منتشر شده و بهر جا در مقابله احرار
فرستاده اند - از روز چه بازار های طهران بند
است - جماعت بسیار مقتانی از مشروطین قفقاز در
طهران وارد شده اند

§ (واسپی زینتنگ) در برلین خبری که از طهران

چاقه جلین اشاعت میدهد -

در طهران انقلاب شدیدی ظاهر و بازارها بند است ، اگرچه تا کنون املیت قائم است ، ولی هر آن حملات از خارج را بشهر منتظراند ، دویاریان در کمال حیران و سرگرفته اند و درمیان آنها هم هیجان مرهوبانه پیداست ، حکومت باغشاه آنچه قوای لشکری داشته و ممکن بود دور خود جمع نموده و می نماید ، توپخانه و تمام دور باغشاهناده و میدان و صبی را برای قشون بدست خود نگاهداشته اند ، ولی با این لشکر مختصر گرفته مشکل است کاری پیش رفت نماید ، فقط پانصد نفر اتران در باغشاه باقی مانده مشروطین هزاره در خانه های خود کافر سها برای پذیرفت مقاصد ملی می نمایند

نجار خارجه که در طهران هستند اوضاع آینده این شهر را بر آشوب دیده ، بسیاری از آنها درصدد حفاظت خود بر آمده دست و پای خویش را جمع میکنند ، اگرچه هنوز حرفی بظاهر نمودار نیست ولی هیچ کس نمی داند که فردا چه خواهد شد

افواه است که بختیارها بجانب طهران حرکت کرده و یا در شرف حرکت اند

بین کرده ها و لشکر استبداد در آذربایجان جنگ سختی واقع گردیده است

شهر رشت خیلی بر آشوب است و نجار خارجه دارند تک تک بیرون میروند قوسل خانه روس ده قزاق بر محافظین خود زیاد نموده است ، قونسلخانه های دول سازه هم همین روجه را اختیار نموده اند

تکرات اسلامبول

(به نجف اشرف)

خبره صفر

حجج الاسلام آقای خراسانی و آقای مازندرانی عین تکرات رشت است

د حکم گیلان بهمت مجاهدین غیور مقتول ، تمام قوای دولت به تصرف مات ، سپهدار فرماقرما ، فوری وقایع را بنام شهر های ایران خصوصاً اصفهان خبر میدهد (انجمن ولایتی رشت)

(ایضاً)

حجج الاسلام خراسانی و مازندرانی بازار طهران بسته اخبارات سایر نقاط موجب مسرت (انجمن سعادت)

(۲ صفر)

حجج الاسلام آقای خراسانی و آقای مازندرانی

عین تکرات اصفهان است

رشت حضرت اشرف آقای سپهدار ، تکلیف حرکت بطهران چیست ؟ در فرمایشات حاضریم ، انجمن ولایتی - انجمن قبایل بختیاری - (انجمن سعادت) (۳ صفر)

حجج الاسلام خراسانی و مازندرانی عین تکرات تبریز است در خط جلنا عماره سخت ، از اسقیدادیان عده کثیر مقتول و جوی بروج ، احرار غالب و انجمن ایالتی تبریز (انجمن سعادت) (۳ صفر از تبریز باسلامبول)

انجمن سعادت دوم صفر خارجه - سخت ، از اسقیدادیان جمع کثیر مقتول بروج ، مات غالب ، اصفهان خبر دهید (انجمن ایالتی)

(۳ - صفر از اصفهان باسلامبول)

انجمن سعادت - حضرت اشرف آقای سپهدار تکلیف حرکت به طهران چیست ؟ در فرمایشات حاضریم - مصاص السلطه

(۴ - صفر از تبریز باسلامبول)

احرار در کمال استقلال ، شهر امن ، شرح فتوحات را بولایات به تکراتفید ، شایعات دولتیان کذب (انجمن ایالتی)

(۵ - صفر از تبریز باسلامبول)

انجمن سعادت مستبدین از اطراف هجوم ، مات غالب ، تلفاتشان زیاد و بعضی هم اسیر ، از زیادتی متولین خیلی در میدان باقی به نقاط به تکراتفید (انجمن ایالتی) (۵ - صفر از اصفهان باسلامبول)

انجمن سعادت فتح شیراز نزدیکه سی قره سلاحور از زلزله خراب ، حرکت به طهران را معین کنید مصاص السلطه

(تکرات ششم صفر ۱۳۲۷)

(از تبریز باسلامبول)

انجمن سعادت - دیروز دولتبانان از دو طرف خطیب و بسانج حله سخت نموده ، نکست قاضی برداشتند ، خصوصاً در خطیب پانصد نفر بیشتر از آنها مقتول و با تیغ عظیم دهوا را حتم نمود (ستار)

شیراز ۶ صفر

(وقایع نگارما)

مردمان بی حرکت شیراز با مردگان بی حس این شهر شهرم بدم عیسوی بختیاران غیور حرکت آمده ، کم کم گرش و دمی میجانباوند ، رهب حضرت حجت الاسلام آقای حاجی سپهدار الحسین مجتهد لاری واردوی اسلامی لارستان در قلوب مستبدین این شهر درست

این رنگ را با آب زده اند پس از هفتاد سال شما نباید گول بخوری ، البته با منتهای قدرت در حکومت خود ممکن باشد گول این اصفهانپسای ناللا را نخورد مشیرالسلطنه .

معلوم شد که چون سیم طهران از اصفهان عبور می نماید ، تلگراف منزل آصف الدوله هم از اصفهان صادر شده بود ، تلگرافات تجارتی درست می رسد ، ولی تلگرافات دولتی ادا نمی رسد ، و تمام در اصفهان جلوگیری می شود .

صورت الدوله امسال ادا مالیات نداده سهل است بتازی پیام بایالت داده که احکام حضرات آیات الله نجف اشرف البته باید مقام اجری آید ، آصف الدوله دانست که معنی این پیام این است که شما از شیراز محترماً بروید جواب داد که من مگر مسلمان نیستم هر قسم علم امر نباشد رفتار می شود ، ایالت بگدغه ماسها را کینه انداخته است .

صورت الدوله با حضرت مستطاب سید هم قسم همراه است ، و کنگ بسیار باردوی اسلامی ایستادن داده و میدهد ، بعد از تسخیر اطراف حضرت سید خود وارد شیراز خواهد شد و معاهدات لازمه بین قشقائی و بختباری شده در اتحاد و هم خیالی و برادری آنها هیچ شک و شبه نیست .

تلگرافات

(۱۲ مارچ - ۱۹ صفر)

• حراند روسی دولت (آستریا) را ملزم می سازند بر اینکه روی وی با جنگ است .

• (مسترحاب هاوس) در (رستل) ضمن تعلق خود دیشب اظهار داشت که در میزان مخارج این قدر تخفیف داده نخواهد شد که گمان معرفت ، میزان مخارج چه (۱۶۵) میلیون لیر است و (۱۲) میلیون جا خالی دارد .

• میزان مخارج بحری در سنه ۱۹۱۰ و ۱۹۰۹ (۲۷۳۹۹۵۰۰) لیرا تخمین شده در مقابل (۲۷۳۹۹۵۰۰) لیرا که در سنه ۱۹۰۸ بوده .

• برای تعمیر جہازات جدید (۸۸۸۵۹۹۵) لیرا ، در مقابل (۷۵۴۵۲۰۲) لیرا معین شده منجمه ۴ جہاز از قبیل (دربدات) تعمیر خواهد شد که در دوم جولائی و ۲ سوم تکمیل خواهد یافت ، ۶۷ کشتی موشک مساح و ۷۰ موشک شکن و بسیاری از کشتی های غواص و بک (بلون - کشتی هوا) هم شامل است .

• (برنس کوز) سفیر ژاپنی فعلاً در اسلامبول است ، ملشاه وی اینست صفا رشتة تجارت با دولت عنای محکم نماید ، دولت (لیرا) از خیانت و خیانت دست بردار شده ، ایستلی پیش از آنکه بخیر و بخیر

جای گرفته ، بتازی (انجمن اسلامی) را با استبدان از آصف الدوله دادر نمودند ، آصف الدوله بی رگ طبل از امالی شیراز بی حس تراست ، ادا قدرت جلوگیری و مدافعه از مشروطیت را ندارد ، تسلیم صرف است ، بارها شقای گفته من می خواهم سر سلامت بگورم .

اطراف شیراز از تصرف ایالت کلیه خارج است در کافرون جوی خون روان است ، کلاترپا بیرق مشروطیت بلند کرده قالب هم آمده اند .

داراب و جهروم که قبضه حضرت سید آمد ، اردوی اسلامی (اصطهبانات) و (تبریز) و (فسا) را محاصره کرده قطعاً همین دو روزه منقرض شده اردوی اسلامی حضرت حجت الاسلام وارد شیراز می شوند .

نصردولہ پسر کوچک قوام از داراب فرار کرده وارد شیراز شد ، و وسائل و وسائط چند متوسل بانجمن اسلامی شده ، توبه کرده ، دعوی مشروطیت می نماید ، ولی مسلم است که حضرت مستطاب حجت الاسلام حاجی سید عبدالحمین جواب خواهد فرمود (الآن قد ندمت ولا یفیع الندم) چه مسلم جمیع دانایان است که تا اینها در فارس باشند حال است مشروطیت در شیراز نضج گیرد و امنیت در فارس قائم گردد ، علاوه بر این حضرت سید ، قاتل حجت الاسلام اصطهباناتی و سید شهید دشتکی را پسران قوام بنداشته ، و احکام جلد در حق آنها صادر نموده ، چگونه انجمن اسلام میتواند توبه او را بپذیرد ، و حال آنکه طلبان میدانند (توبه گرگ مرگ است)

سالارالسلطان پسر زرگ قوام که اینک خود قوام است در داراب مجروح شده فرار نمود بکجا هنوز معلوم نیست ، بعضی چنان می پندارند کشته شده یا مرده است ولی محقق نیست .

واقعه خلیل باصنه این چند روزه پیش آمد درین کبرو دارها فارس بکمرتبه تلگراف منزل آصف الدوله و نصب فرمانفرما رسید ، آصف الدوله تا کمال خلق تشکی دست و پای خود را کم کرده نیجه و ندارد حرکت از شیراز را دید ، ظاهراً است که درین حال اوضاع مملکت چه قدر کسب و خلعت می نماید ، قریب حرکت خود کسب تکلیف برای بعضی مطالب لازمه از طهران نمود ، و حرکت خود را هم اطلاع داد ، مشیرالسلطنه صدر اعظم پای سیم تلگراف آمده عیناً چنین مضمون تلگراف کرد ، به برادری قسم که من از تلگراف منزل شما هیچ خبر ندارم نمی شنیدم کرده سایر وزراء بی خبرند ، اصفهانپسای نادوست

(۲۲ صفر - ۱۵ مارچ)

روزنامه بووریهایی روس مینویسد که هزار و پانصد نفر قتون و ترتیب شاه در حرکت از جلفا دهات جلو راه را سوزانده و قتل عام نموده چهارم از آن دهات مسکون رطایی روس بود حق فراریان از رود (ارس) را که زن و بچه بودند هدف کلوله ساختند

جبل اللین

این حرکات وحشیانه تمام دستور العمل اداره باغشاه است که راه چاره را منحصر درین دیده اند که هر وسیله ممکن شود اجانب را بمداخله دعوت نمایند امیدواریم این آرزو را بگور ببرد به بگانه بی انبار کردار و رفتار این جوان سفال ملت کش وطن فروش از لوت شازدهم فراسه مراتب گذشته اشفاقه سزایش هم مراتب از او خواهد گذشت

(۲۶ صفر - ۱۹ مارچ)

خبر دوتر از پوشر خبر میدهد که مشروطین کرک دواتر حکومتی بندر عباس را قبضه نمودند وزیر خارجه انگلیس سرادوردگری در جواب سوال اعضای پارلمان اظهار داشته که از خبر تازه که ما رسیده ظاهر می شود که جان و مال اروپائیان در طهران معرض خطر باشد ، و نیز اظهار داشت که از (سرجارج مارکلی سفیر مقیم طهران خبری رسیده که مزید مستحفظان سفارتخانه را خواستگار باشد ، و یا اینکه فرستادن مزید مستحفظین را صلاح داده باشد

(۲۷ صفر - ۲۰ مارچ)

الخبار روسی که هندوستان رسیده تصدیق میباید فتح مات را در بندر عباس که با کمال آرامی و بدون هیچ اغتشاش تمام ادارات دواتی را متصرف شدید - میتوان انکار نمود که مشروطین ایران در هر نقطه دست بالا را داشته و هر وقت جنبشی نموده تمام حقوق خود را حاصل کرده و کم کم دارد ترقی می نمایند ملوز معلوم نیست چگونه انقلاب مشهد سرایت بسیستان هم کرده است یا نه

تلاکرافات مخصوص اداره ۲۱ مارچ

(ز جزیره هنگام)

جبل اللین کاکنه

ار توجهات امام زمان حسب الامر حضرت حجة الاسلام حاجی آقا سید عبدالطین لاری تمام دواتر دولت را در عیاض متصرف ، و اعلا قوه سلالات خارجه داده ، متمدد مال و جان رطای خارجه المحمن محلی است مستحفظین از هر جهت به نهایت ، امنیت و وجود (مهموم مات عباسی)

وی ن در دهد خواست عهد نامه تجارتن نموده است (خبر (روز) از (بنکوک) خبر می دهد که اهالی چین و هند از رطایبیه انگلیس مجلسی قائم کرده برخلاف عهد نامه انگلیس و پیام عذر پش نموده اند (۱۵ مارچ - ۲۱ صفر)

بازار نایشی در لندن از اقسام برنج امروز افتتاح و بالغ بر (۲۰۰) تن اجازه نایش برنج دارد (تلگراف (حوانا) ظاهر میدارد که مجلس ملی منظور کرده که کرک بر خروج سبگار و سبگار و سایر اقسام تباکو و شکر موقوف باشد ، فقط بت رای رئیس جمهوری است

(۱۵ مارچ - ۲۲ صفر)

در (ویانه) اهالی را عقیده است که (سرویا) مره دوم و سوم قشون ذخیره خود را مسلح می کنند ، روزنامعات سخت معوش و طالب تصفیه فوری و تحقیق امر هستند ، حکومت (سرویا) در جواب خط حالیه (آستریا) مینویسد ، که دولت (سرویا) حسب صلاح و مشوره روس وضع خود را تبدیل داده و مصمم صلح و هر نوع آماده قیام اتحاد است شرطیست که از هر دو طرف آمادگی ظاهر شود ، و تحریک می کند که باید دولت (آستریا) عهد نامه تجارتن (سرویا) را در مجلس ملی پش کند و احیاناً اگر مجلس ملی تا ۳۱ مارچ منظور نکند (سرویا) اتظام موقته حالیه را تا ۳۱ دسمبر باقی خواهد داشت

جواب خط (آستریا) از طرف (سرویا) موجب تنزل قیمت سندات استقراضی دول اروپا شده بازار خرید و فروش سندات مذکوره در (برلن) بالره بند و طرف آت است که دولت (آستریا) (التیانم) خط اتام حجت) به (سرویا) دهد

تلاکرافات دوتر راجع بایران

(۲۱ صفر - ۱۴ مارچ)

از تلگراف بتسبرک ظاهر می شود که فرمانرهای قفقاز حکم داده که در سرباز خانهای سرحدی ایران قشون زیاد نموده در قونسول خانه های روس هم نموده مستحفظین بیفزایند

جبل اللین

تمام این اشاعات برای سرعوب دانشن مات است ملت بخوبی دانسته که متسک درباریان خان در مقابل روس مات است ، و امروز روس را قدرت مداخلات بامور داخله آنها نیست و آن وقتی که ملت سرعوب این سخنان توغالی مبرکد گذشت

« جبل اللین »

آفرین بهرت و دیانت اهالی بندرعباس که خدا بستان از چشم بد محفوظ دارد، بنمرانجه هم همین چند روزه صورت عباسی را کس خواهد نمود، عنقریب جمیع بنادر تا سواحل مکران و بلوچستان بمقتوی طلبی قیام خواهند نمود، امیدواریم که غیرت مندانی باداش بندرعباس قسی سلوک نمایند که حرکات مافلان شان سرمشق سایر اهالی بنادر گردد، چه این گوی افتخار را در بنادر جنوبی آن غیرتمندان ربودند، اعضای دانا و لایق بی غرض بصویت انجمن عمل انتخاب نمایند تا موفق در پیش رفت کار گردند، حفظ مال و جان و طایب خارجه را اهم مقاصد خود قرار دهند، طبعی دقت نمایند که افعال و اقوالشان از دتره قانون اساسی خارج نگردد، چه مشروطیت و قانون اساسی ایران وسی و مسلمة تمام دول است، ملت هر قدر درین دایره فهم زند در دایره حقوق قدم زده است، و به مجردیکه پای ازین دایره خارج نماید طلسمی و یاقی قلم رفته سایر دول هم تصدیق خواهند نمود.

انجمن محترم عملی راست که همه روزه بر وسعت دایره مشروطیت بیفزاید، هر قطه را که قبضه خود آورد منظم و امون نگاهدارد، و بحیثیت هر قطه قشون محافظ از ملت ترتیب داده استحکامات لازمه را مهیا سازد، و تدارک کافی برای مواجب قشون به بند، انجمن محترم عملی بندرعباس راست که فوراً بذریعه تلگراف بسفرای خارجه عقیده و اراده خودشان را که افتتاح پارلمان و اجرای همان قانون اساسی و انتخابات است اطلاع داده و تلگرافی هم بذریعه سفرا بمحکومت باغشاه کرده استدعای افتتاح پارلمان را به نماید، و ظاهر دارد که ر حسب احکام حضرات آیات الله و مواد قانون اساسی تا وقتی پارلمان منعقد نشود مأمورین ویرا به مأموریت نخواهند شناخت، و نیز رسماً از طرف ملت پروتست باعمال و کردار اداره استبداد نموده تمام حرکاتشان را لایق قبول ملت ندانند، و استقراض حکومت باغشاه و اعطای امتیاز و تعیین مأمورین و حکام او را قابل قبول نشارند، خداوند یار و معین شما اهالی خبور بندرعباس باشد

همچنانوز هم اهالی بوشهر خجالت نخواهند کشید و این سنگ بی حسی تاریخی را تا دامنه قیامت بروی خود خواهند گذارد؟ حالا دانایان آنها دانستند که اگر کار بخارجه نداشته باشند خارجه آنها کار ندارند؟ برای استبداد هم ایضا قوه مدافعه باقی نیست، عجب تر این است که در چنین وقتیکه سایر برادرانشان سینه سپر

کرده در مقابل استبداد داد حقوق طلبی میدهند این مجسمه های نفاق و خود غرضی یعنی نجات غیرمخترمشان میدان کشتی را با کپاز نکل فراهم آورده، باطراف تلگراف برای مینمایند، تلف باین غیرت اف باین حجت ما نمیکویم این کار بد است ولی میگویم اول چه بکنید بعد منار بدزدید اول کار عسای لازمه خود را انجام داده سپس باین کارها به جسیید اول نفاق را از خود دور کنید بعد اقدام باین کار ها کنید که عهد به بسته شکسته نشود چه ازین عهد و پیمانها بسیار ازین سلسله دیده شده که یکی به پایانت زفته است

(ایضاً از یادگوه)

(۲۷ صفر - ۲۰ مارچ)

« جبل اللین - کلکته - اردوی عین الدوله و سایر قشون استبداد کاملاً منتشر، اسیر و غنیمت زیاد به احرار دادند از سه طرف حله بطهران تدارک می شود (بجی اف)

« ایضاً از پاریس »

(۲۸ صفر - ۲۹ مارچ)

« جبل اللین - کلکته - ملت تبریز کاملاً فتح نمودند (قاسم خان)

« جبل اللین »

اینک دو طاه متجاوزاست که اخیراً اهالی خبور شجاع تبریز بچنگ و جوش و فدا کاری مشغول اند، حکومت باغشاه چون قیام سایر بلاد را نتیجه استقامت تبریزیان دانست جمیع قوای خود را در اطراف این شهر شمر جمع نموده بود از لحاظی که این جوان دارد میخواست بلکه در یک میدان فتح نموده آن وقت اگر نتوانست بر حمر استبداد سوار باشد شرایطی که خود میخواهد بملت قبولابد بد بختانه این آرزو هم بر نیامد اگرچه در پی دو ماه فتوحات چند ملت تبریز خود ولی قشون استبداد یکدفعه قلع و قمع نشده بود، اینک باید گفت یکدفعه قشون استبداد از تبریز معدوم گردید، و تمام قوای حربیه خود را بملت واگذار نمود از تبریز و رشت و اصفهان حله به طهران خواهد شد، ملت باید قدر و قیمت فتوحات خود را بداند، و نگذارد که چند نفر مذذب دو رو و شارلتان به پانته صلح مهلت بقوای استبداد داده تا نفس تازه نماید اگر چه بی نتیجه است چه نفس استبداد بشماره افتاده مع فالک ملت راست که واقعات گذشته را جلوه روی خود گذارده سر مشق گیرد، ملت نباید تا وقتی که در طهران پارلمان قائم نشده لفظ صلح بزبان آورد

« جبل المتین کلکتہ »
« حدیقل کالج استریت نمبر ۴ »

« وکلا ذمه دار ابومات مشترکین اند »
« بدل ابوت اخبار پیشی گرفته میشود »

« قیمت اشتراک »
« سالانه — شش ماهه »

Hablul Matin Office
4, MEDICAL COLLEGE STREET
ATTUJ LAC

« نامه مقدسه »

« هند و برمه »

۱۲ روپيه — ۷ روپيه

« ايران و افغانستان »

۲۰ قران — ۲۵ قران

« عثمانی و مصر »

۵ عییدی — ۳ عییدی

« اروپا و چين »

۳۰ فرانك — ۱۶ فرانك

« روس و تركستان »

۱۰ منات — ۶ منات

المتین

سنه ۱۳۱۱ هـ

(مراسلات مخصوصی بدون امضای معروف)

(اداره درج نمیشود)

« کلیه امور اداره با »

« مدیر کل مؤید الاسلام است »

« هر دو شنبه طبع »

« و سه شنبه توزیع میشود »

« هر یوم دوشنبه »

« ۶ ربیع الاول ۱۳۱۷ هجری »

« مصادف با »

« ۲۹ مارچ ۱۹۰۱ میلادی »

« در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود »
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

« خارجه در ایران مداخلت نخواهند نمود »

« فیصله قطعی دولتین روس و انگلیس »

« سرداران ملی توجه نمایند »

(۲ ربیع الاول - ۲۵ مارچ)

وزیر خارجه انگلیس (سرادوردگری) در پارلمان انگلستان ضمن تقریر خود چنین بیان نمود که با وجودیکه در این انقلابات ایران دولت روس را خسارات عظیمه رسیده معذالک دولت مشارالیه از مداخلت بامور داخله ایران برهیز داشته و دارد. شک نیست حکومت شاه بدترین حکومتهاست. ولی دولتین روس و انگلیس بواسطه بایبندی در عدم مداخلت بامور داخله ایران میتوانند جبرا مشروطیت را باو قبولانند. فقط وظیفه دولتین نصیحت و فهادن بشاه است بد آنچه ایران و ایرانیان را مقتضی میباشد (یعنی اجرائیه قوانین مشروطیت) نصاح دولتین وقتی آرتواند بجنید که شاه خودرا محتاج به تأییدات طبداده

« جبل المتین »

این همان فیصله قطعی است که سیاسیون دنیا را از دربار منتظر داشته که آخرین نتیجه مخبرات ده طاعه دولتین روس و انگلیس در امور راجعه بایران چه خواهد بود

حکومت فیصله رسمی همان عدم مداخلت در امور ایران قرار گرفت. این لطق (سرادوردگری) نتیجه ده طاعه مخبرات است آخر روس هم مجبور باین فیصله و بایبندی گردید و این فیصله شبیه آرماتن درباریان حاش ایران را بستگ نامیدی زد. حالا ووسیان درباری و نمایندگان روس در ایران هر قدر خیال فاسده حکومت باغشاء ازین مسلك انحراف ورزند ابدان متمر قهری نخواهد بود. کصفیه مناقشات کنونی ایران سپرده بخود ایرانیان است. ایرانیان باید بدانند که هیچ دولت حامی حکومت مشؤمه باغ شاه نیست. وحشی ترین اقوام باریستاهم اظهارضرت ازحرکات وحشیانه این حکومت می باید. تا چه رسد بملک و دولت شایسته عالم از برونسقی سکه نمایندگان دولتین بر حرکات وحشیانه سردار نصرت شاه (یعنی رحیم خان قزجه دانی) سکرده. هویداست که تا چه اندازه ابرازضرت ازین دوار وطن فروش خدار نموده اند

درست باید در لطق رسمی اول دبلومات دنیا که در بزرگترین پارلمانهای عالم داده خور و تأمل نمود که با آنچه حفظ نزاکت بین المللی و آب درج سیانت آداب سیاسی (سرادوردگری) باواز بلند میگردد بدترین حکومتها حکومت شاه است و با کنایه ابغ من التصریح میگردد که برهم زدن این دستگاه وحشت و مسلك ننگ تمدن بر اقوام شایسته واجب

است. ولی متأسفانه ما بای بندهم که مداخله دوامورد داخله ایران نمایم، گویا درین طلق خود سرافوردگری با آن صدای ظلم برکن خود ملت ایران اطمینان میدهد که ای ملت ایران بدانید و آگاه باشید که هیچ یک از دول مداخله در امور داخله شما نخواهد نمود اصلاحات ایران حول بلیات و فداکاری ایرانیان شده مرده بجنید و بی و احمه و اصلاح شئون ملک و ملت خود پردازید ای سرداران ملی، ای سالاران ملت، فرما باید بر ملتی بگذرد تا چنین موقع نیکوئی برایش پیش رفت مقاصد ملی آمارا پیش آید قطع شجره خبیثه استبداد است یک جنبش خیرخواه شایسته این موقع قیمتی و این وقت مغنم را از دست مدهاید که معلوم بست اوضاع سیاست فردا چه رنگی بروی کار آرد

میدانم که شما دامادان مال اندیش منظر نتیجه عبارات و تصفیه قطعی روس و انگلیس بودید که خدای ماحوات یکبار با آب زده اشید اینک که نتیجه معلوم و تصفیه روسی دولتین همین گردید که لحظه تأمل در شرح سیاست حرام است چه نمیتوان گفت فردا اوضاع سیاست عالم را چه پیش آید و مناسبات پتیک ایران چه اقتضا کند امروزه چند هزار کتک خارجی اهل طهران را کافی و بدرجه کمال رفع قافله تواند شد امروزه جز طهران جمیع خطه ایران تحت حکمرانی ملت آمده حازر بست که هرج و مرج طویل کشیده تا پس از چندی همسایگان همان نسبت بلیات را که اکنون حکومت شاه میدهند بملت داده آنوقت بگویند که ملت و دولت ایران هیچیک بالاصح لایق انتظام مملکت نیستند، همان نکته عدم ایاتت را اسباب همه مداخلات خود قرار دهند، در آن صورت هم خوشنامی کنون ملت و اثر خواهد شد و هم راه همه مداخلات دست اجاب خواهد افتاد و تا وقتی که اداره باغ شاه باقی باشد مسلمت رفع هرج و مرج از مملکت نخواهد شد پس او این وظیفه ملت این است که سریعاً حکومت باغ شاه را از میان برداشته و عاجلاً پارلمان را در طهران قائم نموده رفع هرج و مرج و ملوک طوائفی را از مملکت بجایند

ایسے مجاہدین ایران و ای سرداران ملی،

چنانچه از بعد انهدام مجلس آواز بلند گشته و با او و بر این سیاست مدلل میداشتم که خارجه ابد دخالت در امور داخله ما نتواند کرد، عبت مرهوب نشوید و امروز صفت عقیده ما بر طلبان ظاهر گردید، باز هم با اطلاعات کافی که حاصل نموده ایم آنرا اطمینان جدی میدهم که در قلع و قمع حکومت باغ شاه هم هیچ دولتی حمایت ازین جوان سفاک مصروع نتواند کرد ولو بهر قسم او را سزا دهد و قلع و قمعش باید، کلیه ارباب سیاست و جمیع دوائر رسیده به زمان و به یک ضمیمه میگوشند که این جوان در جسم تمدن ظلم مانند میکروب طاعون و دفعش واجب و لازم است

درست باید در کلام وزیر خارجه انگلیس وقت نمود که بجه لهجه و الفاظ حکومت شاه را نکوهش می نماید، این کلام را تنها وزیر خارجه انگلیس نگفت علناً و رسماً گویا از زبان وزیر خارجه روس هم میگوشد این نکته را هم ناگفته نمیگذاریم که اگر خدا ناخواست تا چندی دیگر ملت در قلع و قمع این سبع ضار باغشاه نطق و تأمل نماید، بدون شک و ریب مسلک دولتی در عدم دخالت با امور داخله ایران تغییر نموده، خواهند گفت که از مهلتی هم که بملت داده شد ظاهر گردید که ایرانیان از اصلاح امور ملکی خود عاجز اند، الا بقی دولت را هم که قبل از وقت همه نماند و تصدیق روسی کرده اند سپس جاره حفظ منافع تجارتی را منحصر در این حلوه خواهند داد که بالواسطه امور ایران اصلاح شود، یعنی بذریعه نمایندگان و مأمورین خود مداخله و نگرانی دو کارهای ملکی ما نمایند خوب است که ملت قدر این مهلت را بداد و حسن انجوع را شناسد تمام نکات سیاسی را تشریح نمایند و لی همینقدر میگویم که اگر ملت درین ایام مهلت نتیجه مطلوب حاصل نه نمود آزادی خود و استقلال ایران را تا قرها از دست داده است همسایگان مملکت طارنا در باز با این هرج و مرج نتوانند گذارد و منافع خویش را در خطر نشوند

حضرت اشرف بندگان سپهسالار اعظم و حضرت مصمم الساطه و است که مدون قوت و دست حل این معای فاضل را فرماید امروز چشم ایرانیان اهم از خارجه و داخله در حلقه طهران همین دو مرکز است که

گیلان و اسفهان باشد و هرگاه همه بطهران توام
ازین دو مرکز بشود چند روز فیصله امر طهران و
حکومت باقتضای خواهد شد. امروز يك ساعت اداره
استبداد را مهلت دادن استقلال مملکت را مسموم
ساختن و ایام مهلت خود را مضیق داشتن است
حکومت باغ شاه دست و پای خود را کم نموده
عزیم ملتجی بسفرا برای مصالحت خواهد شد چنانچه
بار ها شده است ولی این نکته را که بارها نوشته ایم
نباید فراموش شود که مصالحت با این جوان ایران را
ببخارج سپردن است اول نکته که باید از شرایط صلح
خارج قرارداد سلطنت شخصی این جوان است

این نکته را هم باید دانست که اصرار خارجه که
از دائرة خواص بیرون باشد بملک یک گونه مداخلت
ببهار و همسایگان برهیز از آن دارند. ملت باید
ملاحظت باشد که اگر خواهش سفرا را صلح اسفانه
نمایند آنان را مجبور نتواند نمود. ملت راست که
صرف نظر از صرفه مملکت کند و مرعوب همسایگان
نشود. که آنچه تا کنون بر سر ایرانیان آمده از
مرعوبیت بجا بوده و این مرعوبیت ملت از عدم علم به
سیاست و مقتضیات ملتیک بود. محمداً تا اندازه دفع
حجاب از مات شده مرعوبیتشان هم کم گردیده است
پس تا اوقطام گیر خود ملت محبوب خویش را
مخاطب ساخته میگویم (قوموا قامتوا الفرصه)

تلاکرات

(۲۶ صفر - ۲۹ مارچ)

فرانس - زلف (امپراطور آستریا) به نواب
(هنگری) اظهار امت که کلون ایتان برقیام امنیت
ندارد. ولی سر له دولت (ایتالیا) قوت میدهد
امنیت را چه می بیند. دولت (ایتالیا) کافرلس دول
را لازم میداند که فقط عهدناجات دولین (عثمان
و آستریا) و (سار) امضا نماید. و باید
دانست (سرویا) هیچ رضای ندارد. دولت انگلیس
در جواب نامه مضی سر امامه دولین (عثمان و
آستریا) داشته که دولت انگلیس در شرط این عهد
نامه را قبول میکند که کافرلس دول و آن مسائل
بمخت باید که در عهدنامه سابق تصحیه یک بود.

کیتة مالی (رستجک) آلمان هوارض بر اشتیارات
را که دولت برای ازدیاد اداره مالیه تحریک نموده بود
منظور نه نمود.

در مجلس شورا یی ملی (هاند) مسوده قانون
پیش شد که اگر شهزاده بابالنی وارث اریکه سلطنتی
شود در آنصورت (ملکه ابما) مادرشان نائب السلطنتی
مفروضود و (پرنس هنری) اتالیق و سر می او باشد.
(۲۷ صفر - ۲۰ مارچ)

تلکرافی از (ملپورن) رسیده که روز تا بحیات
جزایر (آستریا) می نویسند که (آستریا) را لازم
است یک فرود چهار جنگی از قبیل (دریدانات)
دولت انگلیس بطریق عده تقديم نماید.

تلکرافی ز (بلگریه) رسیده که مجلسی از وزرا
که رئیس آن پادشاه بود تشکیل و اتصال یافته که اگر سه
دولت متفقاً از (سرویا) خواهش کنند که از تدارکات
جنگی باز آید و در اینصورت وعده او دهند که اگر
(آستریا) حمله دو نماید امداد به (سرویا) کنند
(سرویا) البته از اقدامات و تدارکات جنگی دست
تواند کشید.

غیر (روز) از (بلگریه) خبر میدهد که
لحرف جنگ تا درجه بر طرف و علامت امنیت از هر
جانب بنظر می آید.

کیتة مالی (رستجک) آلمان هوارض بر چراغ گاز
و برقی را هم نامنظور نمود.

(۲۸ صفر - ۲۵ مارچ)

غیر (روز) از (بلگریه) می نویسند - که
بر حسب سلاح دید دول اروپا (سرویا) تمام قشون
کلی را که فراهم آورده بود مرخص خواهد نمود.

کشتی موشک شکن آلمان از قبیل (اوسیل) موسوم
به (دون درنان) در (هبرگ) بآب انداخته شد.
(۲۹ صفر - ۲۲ مارچ)

بر مسائل قوای بحری از هر طرف مذاکرات می شود
چنانچه غیر (روز) از (ویلینگتن) مینویسد که مقرر
شده به دولت انگلیس جهازی از قبیل (دریدانات)
بطریق عده تقديم شود. و نیز اراده دارد که عند
الضروره یک جهاز دیگر هم تقديم نماید.

این خبر منتشر شده که (سزاوورن) سفیر

(امریکا) مقيم (ژاپون) بعهده خود برقرار خواهد بود
(۲۰ سفر - ۲۳ مارچ)

§ مستر مېکان بحراب سؤالی پيچان نموده که این خلط محض است که دولت ژاپون اراده قبضه دائمی بر منچوریا دارد

§ مسئله تدارک امنیت بانکات زیر غور و تجویز (سرادوردگری) است که بدون حثاکي (سرویا) امر بر حسب خواست آستریا صورت بندد

§ همه جات پاریس که دست از کار کشیده بودند باز بکار های خود رجوع نمودند

§ مستر (اسکویت) رئیس الوزرای انگلستان در مجلس شورای ملی اظهار داشت که مسلك آلمان تخفیف دستور العمل قوای بحری دول را بالکل ناممکن داشته در این باب از آلمان بارها بنوع غیر رسمی سرانه شده است

§ (لارد کروی) در جواب (نیوزیاند) نوشته که از هدیه يك جهاز جنگی از قبیل (دربدان) دولت انگلیس نهایت تفکر را دارد و در این مسئله فوری بحث خواهد شد

§ مستر (روزبولت) رئیس جمهوری سابق امریکا بیاحت احتیاط روانه شد اهالی بنهایت گرمجوشی ایشان را وداع کردند

§ خبر روزی از پترزبرگ تلگرافاً خبر میدهد که اعضای وزارت تجارت روس تصفیه نموده که در سواحل مشرق سید که راجع دولت مشارالیه است آمد و رفت جهازات به نشان و علامت دول خارجه از ۱۴ اکتوبر ممنوع باشد و فرماقرمائی (آمور) را تا ۱۴ اکتوبر سنه ۱۹۱۳ احتیاج داده خواهد شد که باقتضای وقت حکم عبور بکطرف بدهد

§ در مسئله بانکان مراسلات جدا می شود

§ خبر (طمس) از (یکر) خبر میدهد که دولت چین تحریکی بدولت ژاپون نموده که مسئله مختلفه بین دولتین را درباره (منچوریا) در کافراس دول جبهه اتصال پیش ناید

(۶ ربيع الاول - ۲۴ مارچ)

§ مناقشه سرحدی بین (مانی نگرو) و (آستریا) و (مانی) (بلغار) چندان حوثاقه نیست ولی تصفیه اش خیلی سخت و رنج افزا است

§ (رستچیک) لئان بدین شرط اضافه مصارف بحری را منظور داشته که هرگاه وزیر طایه در حثه

آنیه میزان را پیش بناید بحث بران ممکن است

§ اخبارات دولت انگلیس در (ویاه) تا کتون فوری صحیح نداده و هنوز جاری است ، و حالت بانکان روز بروز رو به ابتری می نهد (فریدن بلات) روزنامه رسمی آستریا می گوید که انحصار دول بطرفداری (سرویا) ر تعطیل تصفیه افزوده تدارک فوری لازم است از بحث در مسئله سرویا المره باید صرف نظر کرد

§ ساکنین خارجه خاصه زنان و اطفال از بلغاریا خارج میشوند

§ (کاسترو) رئیس جمهوری سابق (ونزولا) امروز از (بوردو) روانه خواهد شد ولی جمهوری (ونزولا) اعلان داده که او را اجابت نرول به ساحل داده نخواهد شد

§ از اخبارات برلن ظاهر می شود که امور داخله خصوص میزان مالی شکست بر فرقه (پریس پولو) وارد آمده تذکره فوری (کاونت ویدل) بمقام (پریس پولو) میباشد

§ دیشب در مجلس ملی فرانسه درباره مدنی محکمه بحری بحث شد (گرچه) اتفاق آراء بجانب دولت شد ولی آراء بر این قرار گرفت که قبل از منظوری میزان اخراجات بحری يك مجلس خاص برای تدارک کامل منصف شود

§ اخبار تلگرافی بلغار ظاهر میدارد که سبب دست برداشتن ولیمهد (سرویا) از تاج و تخت این است که جراند او را ملزم بقتل یکی از خدام که بدقتاً مرده مینمایند چه جراند را شک بر این امر پیدا شده است

§ نوکر مذکور را او کشته مجلس ملی بر این مسئله بحث میباشد

§ (سرادوردگری) برای السداد جنگ مضمون خط سرویا را به آستریا پیش نموده است

§ از اخبارات (ویاه) ظاهر می شود که به سبب دست برداری ولیمهد سرویا از تاج و تخت بغیر قبول هدیه شرط دولت روس در الحاق (بوسینیا) و هرزی گووینیا) به پیشانی افتاده

§ اخبارات بلغار می نگارند که از اظهارات مجلس وزرا ظاهر می شود که الزام حرکت نوگریکه بر ولیمهد داده می شود بقول خود آن نوکر او را انگهان ضرب رسیده نه هدیه مجلس ملی مسئله دست برداری ولیمهد را از تاج و تخت نزد شاه پیش کرده تصور می رود که شاه بر دیگر خود را بواجبهی مقرر ناید

آر خامة جنب آقا ميرزا علي اسير

مقيم اصناف از اسلامبول

قوت دين بسته قوت متدينين است .

قوت متدينين همان قوت سياسي است که در دين قرون اخيره از دائرة فهم مسلمانان بيرون مانده . حبيب ديني در دنيا ملوکبر نشده مگر بضرر شمشير . حبيب شريفی عظمت و احتشام خود را حفظ نکرده مگر بصيانت قوت سياسي .

دين (زردشت) ، نیروی مازوی (کشتاب) از بلخ تا اواسط افريقا کسب وسعت کرد .

احکام (تورات) بقدرت سلاطين ي اسرائيل فسق از افريقا و آسيا را فراگرفت :

وصايات (انجيل) را قياصرة روم و دول مقتدره فرنگ دين درجه محترم و مقبول کردند .

شمعة شريعت اسلام از افق ناربيک (يثرب)

گرفته تا ساحل درياي چين را از بر تو اقتدار مهاجرين و اصار منور و متجلى کرد بصيحت نها و قول مجرد راسيک پشرفت دين ميچوقت کافی بوده .

کلمات صد و بيست و چهار هزار پنصم بقدر يکی از غنوات دو اسلام تبجيده . اگر مقصود به

صبيحت و موعظه حاصل ميشد ، نوح ي . هزار سال يك نيه گفت ولي بگوش کسی هر وقت . اين

است که پندم اکرم با همه رأيت و مرجق که داشت مسئله جهاد را يکی از مواد قانونی کرد . و خود

پنجه با کمال شوق خود و هفتان پوئيدده و حاضر مرکه شد

انبات اين مدعا را دليل ديگر آنکه هر وقت قوت سياسي بکمند محو شده يروان آفندي هم

خاصه بسيار کم پراکنده و معدوم و يا در کثرت و عظمت ديکرافت محول و مضمحل شده اند . مثلاً

زردشتيان يني نيکان طبا آن وسعت ملک و کثرت نفوس که نظيرش را در حاله تاريخ هم نتوان يافت . همچک

مطلوب اهراب شدند آرايگه کيکالوس و شهر مساى آراسته چون پيکر هيوسن مسکن بوم و مأمن خراب

شد . آنکده ها خاموش . دين يني مفلتوش سگفت طالبان منور و ملکان منور شد . و بجدي تزل

کردند که مجموع خوششان امروز در ايران و هندوستان شايد بصد هزار تن رسد .

شريعت اسرائيليان پس از تقراض سلطنتی که داشتند در نقص و زوال گذاشت . و خانواده پيادگان برچيده

شد هم جا متفرق و پريشان . شاه بردوش و پرياسبان . ذليل و خوار . مقهور و بقتدار . حکومت ارضستان

که تا اندازه باجگذار ايران بود پس از تغيير مذهب و نبوت دين حضرت مسيح ميان ملک صاري موقفي

مجاز هم رساند . پس از آنکه طومار استقلالش مقتضای سياست آنصر از طرف دولتین ايران و روم در نورديد

عده نفوس اگر بست کرور بود اکنون بده کرور رسیده . رونق مذهبشان هم با آنکه شعبة از انجيل است روز بروز کاسته و بيگامده . نصف پشتر از طريقت خود

برگشته (يادری) و (کاتليک) شده اند . از شرايع کلدانی ها و مردم يلوا و مصرها

قطر ميتوان اسي در تاريخ دید . روزی که شيرازه استقلالشان از هم ياشيد دار و ندارشان هم بمشايست

آنها رمت و نام و نشان خود را برای جورى جنس جزو آثار عتيقه يادگار گذاشتند . شريعت اسلام هم

تا وقتیکه يروانش در سهام امور از روى دستور العمل خارج مقدس رفتار ميکردند و دين خود را در زير سر

قوت سياسي حفظ مينمودند . ساعت ساعت پش ميرفت و بر وسعت خويش ي افزود تا کار بجائی رسيد که

(سلطان محمود هنزوی) ملک قسمت بزرگ از بت پرستان هندوستان و چين را بضرر شمشير مسلمان

کرد و دين حنيف را رونق ي اندازه بخشيد . ولي افسوس حکه اختلاف که و يروى شهرات

نضای قوت بدان عظمت را متزلزل کرد .

بهر اهذه که از قوت سياسي اسلام کاست همان اندازه از مستملکان که داشتند بزور درفش مگانگان

رفت . مصر . فارس . سوادان . تونس . جزائر . هندوستان . بلوچستان . صنف . عدن . بحرین .

کويت . قفقاز . حبشه . بخارا مگوشه چشم حسرت هم ايض فوق را تصديق و دليل جا مساى ديگر هم

از حالا سرخاوى قنکر فرو برده راى استنبال حزين و ناربيک خود خواب آشفته ي پند و از ي يني

و نيلی مسلمان سخط ملوکبر و متزود .

برای تأیید مقصود یک مثال تاریخی دیگر هم آنکه فرقه امامیه تا وقتی که قوه سیاسی نداشت همیشه از ترس خصم پوینده و پنهان میزیست. در اصرار مظالم بی‌امیه و بی‌عبارت پیوسته گرفتار مظالم بود و دوچار مطالب، خواجه طوسی دید تا مسئله تبه را از پیش پای این فرقه بر ندارد قوت نخواهد گرفت و حیثیت اسلام ظاهر نخواهد شد. درمان این مورد هم منحصر است بتأسیس قوه سیاسی، از دست‌علاکره خلف گرفت و به تحت سلطنت نشاند، و با تدابیر مخصوص آن صحیف مشنومه را در نوردد، دیگران هم پیروی از مقاصد آن بزرگوار نموده برای اقدامات خاندان صفویه راه‌ها را صاف کردند، هرگاه اشک در این باب تبع شود بدون تردید اهتزاز خواهد شد که پیش از آن تاریخ در تمام ایران بک ایالت یا اهل یک ولایت کلاً امامی بودند، در هر شهر و دهکده اگر چه یافت می‌شدند هم حق و پریشان بودند، و حیاتی بس بخلت و خواری می‌پرداختند، ببارت دیگر پیروان حضرت حنفر در روی زمین ملک ملک و صاحب سلطنت نبودند، در سبب مجامعات آن ذات خجسته سکنه متحد الخلیف ملک ایران در طریقت یک نیز ملحق و هم مربوط شدند.

علاهی متبحر وجودهای قابل در میان اسلام خیلی ظهور کرد، اما در سر میبیکه آن سیاست و شور دین پناهی خواجه نبود، دیده روزگار و خودی مانند آن بزرگوار ندید، رفقا هر چه میخواستند بگویند بنده را معتقد این است که هر قدر اعتلای اوایل اسلام ترمون بازوی امیر المؤمنین علیه السلام میباشد حاکم هم مذهب امامیه مرحون مسامی استاد البشر است، حضرتش نیست را هست حکمرد ملا بایان این زمان موجود را میخواهند هو و معدوم کنند، برای زندگی دو روزه و عیش کودکانه بسرباز روس دعوت نامه میفرستند و قبایحی را مرتکب میشوند که نم از نگارش آنها شرم دارد و فعلاً ذکر باره از آن ردایل ما را از موضوع خارج میکند، وعده بوقت دیگر داده بویوم بر سر مقصود، از مروضات فوق خدر کفایت ثابت شد، که بقا و اعتلای هر دین و آیین ملوط به دوام و قوام قوه سیاسی آن دین است یعنی

اگر استقلال و ولت ما امروز ناپود نبود مذهب ما هم قطعاً زو بزوال خواهد گذاشت، ما قسم که مذهب دیگران نم تا استقلال ملکشان بگمرب و با بندوی هو و منسی شد، خوب خلا شرط حفظ قوه سیاسی را بیان کنید، چه باید کرد که این اسم خلعک و خالی منسی صحیح بمرساند، چه نقییری بکار بریم که این نقیسی که داریم کامل کنیم، چاره و هوای این مرد بزرگ فقط منحصر بتأسیس مشروطیت حکومت است، بچه دلیل؟ هزار دلیل، قدری دل بدهید تا عرض کنم چون از آغاز گفتار شواهد خود را از حد تاریخ و تجربه آوردم و بحث از مقتضای روحانیت اسلام را به متنبیر آن ملک مقدس وا گذاشتم برای التزام این مسئله هم یکی دو مثل حسی و تاریخی اکثفا ببنام ملق که قبل از همه ملک سلطنت شخصی را منفور دانسته حل و فصل امور خلق و وظیفه مختصایک الحسن متنبخین هوو سات یوتان بود، سپس مردم رومیة الکبری هم تقلید از ایشان کرده مدتی حکومت مملکت را به تصویب اضلای مشورتخانه سپردند، این سبک از حکومت در آنوقت حکمکه نسبت بمحلا عصر ابتدایی و ایام جهالت بود بدو جبهه سر نگرفت و پیشرفت نمود.

اول آنکه مینمای احکام و اصول حکومت آن زمان اساس و بنیان درستی نداشت و مانند مواد قانون عصر حاضر مزایای احکام آسای و تجربیات سی قرن نام مزوج آن قوانین و مخلوط آن احکام نشده بود دوم آنکه در آن روزگار بازار مسلبدین گرم و بحث و روی زمین دو زیر نگیان استبداد بود، هیبط آنها کاملاً حکومتی مستبد بودند ایست که نتوانستند و گردن آرزو سوار شوند فساد سلطنت شخصی و حضرت هنر بز بی جبهه شدن بگفرد بر قابلیت را نتوانستند حلی صوم کنند پس معلوم میشود الحیا آن زمان مساعدات وقت را در جریان امور مدخلیت کلی هست همان طور که حضرات در آن مضیق استبداد نتوانستند حرف حسابی خود را زنند و این گریوه کلمات را از میان مسج بشریت دفع بکنند، امروز هم که اصول حکومتیای روی زمین عوض شده و باک حسی عدالتخواهی هویت

همة دنیا را فرا گرفت در ضمن صلاح خانهای پادشاهان مجلسهای دارالشوری تأسیس شده بنمای یک دولت مستبده ممتنع و محال است . شما یک باغ بسیار خوب دارید میدان آن باغ از مساحت باغبان بقدر چینه ذرع مزبل و محل خسی و خاشاک شده راضی نمی شوید و آنچه را مبدعید پاک و پاکیزه میکنید ، بنده یک خانه خلیج طاهر دارم پشت دیوارش خرابه است که از هم مراقبت اداره بدیه جای خاکروه و کثافت شده فوتش هوای خانه را اختلال و از بیساخت استساق اداخته لابد متحمل نمیشوم و وسایط استساک و اعمار آنها را فراموش آوردم

وطن مظلوم ما امروز سبت بساثر قطعات زمین حال همین عزیز ما را دارد ، راه آمد و رفت طریق ممالک مال التجاره بطرز جدید برای سایر ملل و اقوام ندارد اگر ما بخودی خود مشغول تعمیر بشویم همین قسم سنگین و رنگین نشسته نگاه کنیم و اسباب زحمت مسایگان شویم دائرة تمدن دنیا بدین هیئت که دارد پیش می آید ، و دور میزند هتقریب ما را فرا خواهد گرفت ، و همه چیز ما را مقصر خواهد شد چنانچه همه چیز ملل مرحومه را بکنشاه نبل و عدم اعتنا بوظایف ثابت امور قبیله قوی تا امروز ملل و مقصر شده اند ، فرض این است که چون ملت یونان و اهالی قدیم ایتالیا در محبوسه استبداد شواستند خرق آهنگ همی نموده رایت عدالت و مشورت را رافرانند در این عصر هم که دولتهای علم ماصول سلطنت مشروطه و جمهوری کار میکنند ما می توانیم مخالفت با آهنگ همی کرده در مهت تمدن دنیا بقانون قرون اولی حکومت کنیم هرچه کلستان جهان را شوره زار جهالت و نایشگاه فقر و فاقه قرار دهیم ، جنگیدن با نجه طبیعت از کف اقتدار ما خارج است و مخالفت با مقتضیات زمان همین قیامت و جهالت ، جان که روس و عثمانی با آنها خود و قدرت در حضور مشروطیت سجز و فروتنی کردن نهند و تسلیم شوند حکومت تاوان ابرانب ، وفدای دیوانه دیوار ، اداره برشکته ما چگونه و باسکدام قوت میتواند مذاکره بشباه غیرشکار آزادی و عدالت کند البته مظلوم نتواند کرد و در بیجان این تهمتن زمان

با چشم کور و دل شکسته و دم سرد و بخت و از کون بخاک ملاک خواهد افتاد ، و چنانچه در مقاله ذیل اشارت شده بنیساره استبداد با همه زبری و جلالت که دارد از شش جبهه محصور قوای مشروطیت است ولی بخار جهالت جلوه بدگاش را گرفت می بیند

برهمنی مفتی کر و کور رو بچنگل عمو و فامیستابد اما فیضمد و میداند که این قتلای طایفه چاره دورا میکنند ، جلوسیل فضاییست حسی را بانو عنکبوت نمی توان بست بافتشهای محسوله و امضای ساخته حق صریح می کرور ملت تازه بیدار شده را میشود بلعید ، سگوت احفان بعضی قاط کفاره زدند و تکفیر را میکنند ، صعب اینجا است که مقامات رسمی اجانب خبر داده اند که دین اسلام موافق با مشروطیت نیست کسایکه مسئله را دنبال میکنند باین و خارج از دین ما هستند ، نور برین بشری ، درین برین عیبانی خلق ایران کلابار هستند و شما با آلت تک و پور و شایله بدتر از پوز مسلمانید . حجج اسلام و وجوه طلاب عقبات خارج از دین شده اند . شیخ بوری و رفقایین دیندار و مؤمنند معبد ملت را تعمیر کردن و فضای قوم را بدون محاکمه و انبات تقصیر برسر دار و در رنجیر شکستن در کدام شریعت جایز بوده آیین مسلمان بکنار کیش کدام وحتى مقله متوالی و نیش قبر اموات دوساله را نمجوز کرده ، ناکتور هیچ سغه در دنیا پیدا شده که چندین مرتبه بکتاب مقدس سوگند یادکنند و بیدرنگ بشکنند . خدا یا امرز ، صحبین بدرا که تمام این آتشیها از کور آنها بر آمد ، براسی شم موقی یا اطهار حبس فطرت آتش فتنه و فسادرا دامن زدند و طلی را از کند رشتکارپایه خود پرکردند و ما را پیش تمام ملل سرافکند و منتقل نمودند .

روزی یکی از دایان در ضمن ملاقی که از اتفاقات ماهوار وطن داشت اظهار فرمود و حکایت کرد که دیروز اوزیر عدلیه عثمان در خصوص اختلال ایران صحبت میکردیم وزیر معزی البه مسنوت اختلالات میان دولت و ملت را تماماً بسنده دروا و نظایر حضرت حمل میکرد و برای اثبات مدعا میگفت برروز در حضور اعلیحضرت سلطان بودم

از طبع و انتشار رساله نامناسب طبع مبارک در خشم و غضب بود و میفرمود: بدون آنکه کسی بفرمان طلب برادری کسورتی در بین حاصل شود حق ملت را دادم و هرگونه مساعدت هم نمودم در مقابل نیکی های من این چه نامربوط ما است بلکه مردم منتظر میکنند همینکه فرمایشهای گله آمیز برایشان رسید عرض می کردم: تمام قضایای که درین مدت سی سال ملت رسیده اگر چه همه را خاصان حضرت مرتکب بوده اند ولی بنام هابوزی قلم رفته بود و درین بذل پدرازه و اعطای مشروطیت گذشته ها را فراموش کرده و اکنون از دل و جان دعا گو هستید، تاریخ دنیا هم گامیکه ما وقع را نیت صحایف خود میکنند هیچوقت اسی از این گونه رسایل فضول نخواهد برد، و شایسته نیست خاطر مبارک بکدر و آلوده بدان زهات شود و تمام اوقات تلخی و غضب اعلیحضرت را بدین بیانات نرم رفع می کردم و حضرتش را در سر مهر و محبت آوردم، حالا اگر وزرا و ندمای دوبار طهران هم مثل من صلاح اندیش و جرب زبان و طایفه جنابالی ملتخواه و محرب بودند همه مناظرات جزئیة را بزرگ شده اصلاح میکردند و نمیکذاشتند کار دولت بدین جاهای پاریس رسد

باری از مطلب دور بفریم مقصود اصلی این بود که دین و شریعت با قوه سیاسی قائم است و قوه سیاسی حالبه را هم میداند که مختصر و در بستر نوح است احاطه حیات و تقویت آنهاست بنائیس مشروطیت میباشد و بس

نظر مبارک حجه الاسلام عتبات هم بدین مسئله مهم مطروف بود که از سه سال قبل گرفتار آنها رنج و زحمت شده شب و روز آرام را بر خود حرام کرده اند، روی سخن درین جا حضور های متوسط و دیگر برادران اهل است که اگر درد دین و نصب در مذهب دارند به آقای آخوند و آقای شیخ مظالمها اقدام کنند و احکام ایشان را که در باب التزام این امر و رجوع اطاعت مادی و معنوی بجهادین صادر شده بخوانند و بسایرین هم برسانند اوامر آن بزرگواران را در هر نقطه که هستند واسطه اجرا باشند نه آنکه در چنین موقع نازک و مقام مهم که حیات

اسلام و ناموس اسلامیان در معرض فنا و محل خطر است خاموشی نشسته وظیفه اسلامیت را مهمل گذارند و یا مانند بعضی از خدا خیرالمنان با جبه و دستار خدمتکار حکومت شده همکار مفتی کوفه و مساعده دولت بی امیه شوند

دولت ایران اگر بقسی که هست در دست ندمای لاشعور و اداره امیر بهادری که معنی جامع استبداد است باید و تغییر شکل نکند ملقروض خواهد شد، پس از اقراض دولت هم مسلمان شده و تنها دارای هیچ آری نخواهد بود، روزگار اقوامیکه از نصرت استقلال محروم شدند اجالا در اوایل مقاله عرض شد تفصیل آنها را هم در جاهای دیگر بخوانید و نتایج این نکتت را عینک گذشته درست در اطراف حیران ملاحظه فرمائید تا یقین کنید که مذهب بدون دولت پایدار نخواهد بود و دولت هم تا بر قواعد مشروع و معقول مؤسس و مستند نباشد محال است ازین پس دوام و بقا نخواهد کرد، تأسیس قواعد مشروع و معقول همان تعیین حدود و شروط است، معین بودن حدود عموم را ساطت مشروطه میگویند در هر مملکتی که حدود و وظایف معین و معلوم نیست مثل ایران خراب و ویران است خرابی دنیا رو باقراض گذاشته بجه دلیل؟ بدلیل آنکه جز چین و ایران همه جا آباد شده پس ما هم اگر طالب آبادی وطن هستیم اگر میخواهیم ملعون اختلاف نشویم اگر میخواهیم نعمتهای خدا را کفران نکرده باشیم باید از همه چیز مقدم تر مؤید مشروطیت بشویم.

اداره حکومت ایران در دست عیث استبداد است نتیجه و حاصل استبداد نا امنی و فساد میباشد فساد و استبداد موجب نقص و انکار قوه سیاسی باعث پیشقدمی بیگانگان میشود، تصرف بیگانگان دایم تر از مذهب است، پس اگر مسلمانید و طهرت اسلامیت دارید برای حفظ دین، برای صیانت ناموس، برای وقایع معابد مقدسه، برای آزادی در اجرای مراسم آیین خود طرفدار مشروطیت شوید. قاریان این میدان را که پیروان انصار حضرت حسین اند باری و باور کنید کلید تا پیش و جدان و حضور رؤسای اسلام مفتضح و مستول باشید.

اطلاق کتب جدیدالطبع نایاب

نام کتاب قیمت به روپیه آنه
 کتاب معراج السعاده کافذ اهل جده ۴
 ایضاً کافذ متعارف ۲
 کتاب شمس و قمریه - صور کشف الحکایات کافذ اهل جده ۴
 ایضاً کافذ متعارف ۲
 کتاب اسرار العقاب که از جهت تصنیفات حضرت مستطاب شریعت مدار آقا علی آقا میرزا ابوطالب مجتهد شیرازی دام ظلّه العالی است و در آیات وجود حضرت مسجبه صجل الله فرجه و رد طایفه بایه است و نازه بطبع رسیده و مستثنی از تعریف است ،
 با کافذ اهل جده ۳ روپیه
 (عمل فروش کتب فوق)

در کنبخانه مظفری در پیشی بهندی بازار و نیز در شیراز در اداره مظفری واقع در محفل سرای مرحوم مشیرالملك و بوجه رایج ایران بمصرف میرسد ، هرکس طالب باشد ازین دو اداره طلب باید

اشهار

MOTOR CARS RENAULT FRERES
 Billancourt, pres Paris (France) فرانس

حاصل کننده انام بزرگ شرط بین پاریس و وایه

گیرنده نخت از (اومویل کلب) فرانسه

فهرست مجاناً فرستاده میشود



اخبارات خارجه

(مستر میکان ورد) در جواب (مستر لالسیدیل) - طی نوشته که بصراحت ظاهر می شود که صرف نظر از شرایط راه های آهن سنگان ، هنگچو ، و سنگبو

موده و به (سرجان جاردن) حکم داده که در این خصوص دولت چین را مطلع باید ، که تدارک فرضه برای مسیر راه آهن (کنستان هونگکو) می شود
 (مستر لالسیدیل) در جواب (مستر ریس) اظهار داشته که حکومت تصفیه تجارت تریاک را در جزیره بایه (ملاو) نخواهد نمود تا وقتی که شور با حاکم آنجا نکنند و ر رپورت کیسیون افیون سنگان بدقت نظر نه باید

در مجلس شورای ملی انگلستان شب گذشته (کرل -بیل) در جواب (مستر ورتن) اظهار داشت که (لارد کروی) تأمل دارد که از الحاق (اوگنده) به جنوبی افریقا فائده حاصل شود
 (مهدنامه روس و ترکی در خصوص ناون (بلغار) امضا یافت

(پرسیدن نخت رئیس جمهوری امریکا) به مجلس شورای ملی بسیار مختصر است و ای او ایست که وضع تجارت قسی تبدیل یات که تغییر تعرفه کمره لازم است و انتظام آن باید زود بشود

در پاریس جمعی از مجلسات پست و تلگراف دست از کار کشیده ، ۳ میلیون خطوط و یکصد هزار پاکات تلگرافی جمع شده است

در کانفرنس (شورای ملی امریکا) مسوده تعرفه کمرکت پیش و به اعصای کیسیون تسلیم شده تا غور و فکر بر آن شود - بهوجب این تعرفه با اشیاء آرایشی کمرک زیاد ، برای اردای البه و آلات حرب تخفیف در کمرک ها اعفاد داد ، فیصد پست فرق در زیادتی و کمی کمرک معین است ، جای تا کنون از کمرک معاف - ر آمم ده صد هشت کمرک گرفته خواهد شد در - کمرک و آرد از طریق غیر معمول ، اسد ر بچو ، (پسان) دود و خروج مال البجاره - کمرک ااد خواهد بود - کمرک قهوه مصنوعی (کمرک) هر رطبی چهار سفت مده ر شده -

دسته چهارم - کمرک - کمرک (پورانسون) می رود ، کمرک - کمرک - کمرک - کمرک پذیرای شایان است -
 (مستر رور) در (بدکرید) اطلاع داده که سفرای

دول مجده سی خواهند ساخت کرد که (سرویا) را در نگاهداری صلح و امنیت مجبور بایند - و او را مطلع خواهند نمود که در صورت جنگ (سرویا) تنها خواهد ماند و نیاید امیدوار تأیید از دول دیگر شود - طریق رسمی در (ویاه) اعلان شده که دولت (آستریا) را هیچ وجه برضوان مکتوب دولت روس عذری نیست، بلکه برای الحاق (یوسینیا و هرزیگووینا) طوعاً خواستند امضای کافرین دول ست، و خواهش دارد که نظر به سهولت انجام امور دول اروپا بر این مسئله هم رضایت خود را ظاهر بایند

۱ در جواب خط آستریا (باپسالی) نوت که مسئله الحاق (یوسینیا و هرزیگووینا) که همراه تصفیه باقی مانع نیست که تقدیم در کافراس دول شود، دولت روس برای اجتناب بایندها دول در کافراس مویای روشن مراسلات است

۲ (سرادوردگری) وزیر خارجه انگلستان در خصوص الحاق (یوسینیا و هرزیگووینا) به جواب سوالی اظهار داشت که هماره حکومت را عقیده این بوده که بر مندمات مسئله مذکور قبل از رجوع به کافراس بحث و تصفیه ناید - چنانچه در این امر مخارات جاری است

۳ مخبر (روز) از (پکن) خبر میدهد که دولتین روس و چین در انتظام بندر (هاربین) متفق الرای شده اند

صورت پروتست نامه ابرائیان

مقیمین اسلامبول

چون امروز ما در حرابده خواهد میشود که دولتین روس و انگلیس در فکر دادن قرضه جدیدی بایران هستند و در خصوص اصلاحات طلبیه و لزوم مشاورین خارجه و عده لیاقت ابرائیان بداره نمودن امور داخله خود با اساس مشروطیت و ادای وظیفه نه نمودن پارلمان سابق ایران و لزوم تشکیل قوخراس صلح انتشارات میدهند

لذا (انجمن سعادت ابرائیان) مرکز اسلامبول از جانب تمام ملت ایران و از جانب مرکز مایه بوجه سلاحتی که دارد بعنوان پروتست تمام نایندگان محترم دول معظله تقدیم نموده مستندی است عیناً

بوزایت خارجه دول متبوعه خود ابلاغ دارند بی سال است دانشمندان بزرگ ایران در راه استقلال وطن خود هر سیاست شخصی و تبدیل حکومت بر اساس ایران به اساس شوروی بی فداکاری نمودند تا در آخر سلطنت مظفرالدین شاه موقتیت حاصل کردند، و چون شروع با اداره طلبیه تصادف کرد با حکومت محمد علی شاه که شخصاً ذاتاً و عرضاً مساعد با اساس مشروطیت نبود و وزراء مشغول و ذمه داران دوائر اجرائیه نظر به نامساعدن شاه در اجرائیات لازمه غیر مقتدر

بالضروبه در اول امر پارلمان قورس ایران دچار بدبختی بزرگی گشت و بآن لین بود، که یکی از دو وظیفه بزرگ او (یعنی وظیفه نظارت) بضمیمه بقیه تکالیف فوق العاده (یعنی مدافعه سری و عانی) او را از ادای وظیفه بزرگ دیگر (یعنی وضع قوانین) مشغول کرده و قسمت بزرگ وقت فرصت او را تصرف نموده با وجود این در مدت کم پارلمان ایران قانون اساسی مملکت را موافق محتاج هموم اهالی خاصه فرقه حلبیه بوجایه و دلیل قبول ملی و قبول مقدمه وضع نمود و قسمتی از آرا در چهار دهم ذی القعدة ۱۳۲۴ باامضای مظفرالدین شاه و شاه حالی و قسمت دیگر را در تاریخ ۲۷ شماره ۱۳۲۵ باامضای شاه حالی رسانیده و بشرف قبول دول معظله طلم نائل گرداید و شخص محمد علی شاه حکومتی را مسکله با وصف مشروطیت بورات ذی حق شده بود بضمیمه عهد و موافیق مشدده از جانب ملت بودیمت دریافت، علاوه بر این پارلمان ایران در مدت کم قانون وزارت داخله را با تمام شعبات آن از طلبیه و نظمی و غیره با دستور انجمنهای ایالتی و ولایتی و قانون مطبوعات وضع نمود و نامضای شاه رسانیده بدست اجرا داد

بودجه مملکت را که از حدود اعتدال دور افتاده بود، بنصرفات نافع تبدیل و نسوبه کرده بلکه انجمن قوانین عدلیه و جنگ و معارف و تجارت را نوشت و مرتب نموده در دست تدقیق و تحقیق داشت و در اصلاحات لازمه و تسهیل طرق و معابر و توسعه تجارت برای تحصیل ماده قندی از خارج بصورتیکه بمساعدات دولتی سابقه مزاحمتی نماند در دست و پای تدبیر و علاج

بود، که با هزاران اسف دچار مهاجرت و انضال گشت
بد از انضال پارلمان و تجاوز عهد علی شاه از
حدود مشروط از سلطنت خود و صدور اوامر
مطاعه از ناحیه مقدسه رؤسای مذهب جعفری در
وجوب مدافعت ملیه با حکومت غیر جائز و حرمت
ادای مطالبات ناداره متعده (چنانکه یکی از تبلیغات
مطاعه ایشانرا که توسط اچانیان بهجاس صلح لاهی
صدور یافته بصورت عینیه خود برای صدق مدعی ضمیمه
این لایحه میباشیم) قوای ملیه با رعایت تمام حقوق اجانب
مقاومت و مدافعت قیام نموده از هیچ گونه فداکاری
مضامنت نمود تا اکنون که زدیله است موافقت کامله
در استرداد حقوق مخصوصه برای ملت حاصل گردد

در اینصورت اگر از جانب پدغام کنندگان نام
اسانیت بواسطه زبانهای که در محبت استقلال ایران
در سیاست شخص خود با دلها موافقت نداد انتشار
و بقلمهای جفا کارانه اشاعه دهند که ملت ایران قابل
حکومت شوروبه نیست و یا آنکه پارلمان سابق ایران
چیزی را غیر از اسباب دست اختلالیون کشتن حائز
نبوده است و یا آنکه بدست احرار ایران تجاوزی
بمقوق اجانب شده یا اینکه خاتمت امر صورت حضوره
ایران حاجتمند توسط دول همجوار است یا اینکه ملت
ایران به استمداد خود راه اصلاحاترا نمیتواند پیدا
کند. یا اینکه بدون استقراض عاجل خارجی اطاعت
آسایش در ایران محال است تمام ناشی از امراضی
است که حقیقت آنها بر مردمندان پوشیده نیست و با
حیثیات ایرانیت قاصه بسیار دارد.

و از آنجا که بحکم دین و مذهب ایرانیان حاکمیت
ملیه در ایران در جمیع امور جائز تقدم است لهذا حق
ایرانی به بانک بلند میگوید:

«که تحصیل آسایش فوری در ایران و رفع انقلاب
موجوده جزیه افتتاح پارلمان از روی قانون اساسی
موجود، بیچ قوه داخلی و خارجی حاجتمند نیست»
چنانکه در شهر تبریز بعضی گناه ندان دست
حکومت جبار به اسزخ زمان و دواتر ملکیه در نهایت
نظم و ترتیب حتی دانه مغارف بقدر مقدور از روی
اساس جائزی و داتر شده و نیز مسلم است که هیچگونه
حاکمیت از راه مستقیم یا غیر مستقیم و بیچ عنوان

نیتواند خود را ضمیمه حاکمیت مشروطه ملیه ایران بخشد.
و اگر هر گونه اقدامی غیر از مساعدت معلوی
که لازمه حسن السایت و حسن جوار است از دول
همجواره و غیره برای اتمام صورت حاضره بشود
ملت ذمه دار تقبل آنست خواهد بود و به مقبل
لحارات مانده خواهد گردید چنانکه هرگونه استقراض
که در ایام انضال پارلمان حکومت متعده ایران نموده
باشد ملت ذمه دار ادای آن نبوده و نخواهد بود.

و نقشه اتمام صورت حاضره محاکمیت ملیه برای
حصول آسایش و حرین امور تجارتي داخله و خارجه
در بجاری طبیعیه خود بهام وضوح و ظهور خواهد
آمد و مساعدات مضویه دول همجوار حکه در راه
حسن مجاورت و رعایت حقوق اسانیت مبذول گشته
در هر حال نزد ملت ایران متکور بوده و هست.

صورت بروست مذکور

مقام ریاست روحانی اسلامیه ایرانیه باقتضای وظیفه
مقامیه خود خواطر آن جناب را متوجه می خواهد
که ملت ایران نظر باستقلالیت تامه که دارد تمام
معاملاتی که از قبیل استقراض و رهن و امتیاز و هر نوع
مقاوله را که امضا نکرده و موافقت با قانون اساسی
نداشته باشد و با حکومت قاصیه حاضره منتقد شود
مقتضای بند ۲۲ و ۲۴ و ۲۵ قانون منبر منبر خواهد
شمرد همانا جواهراتی که در خزائن طهران موجود است
متعلق بقاء نیست مال ملت ایران است و هرگونه رهن
راضح آنها و مقاوله و امتیاز دیگر که با هر دولت یا
بانک اجنبی صورت وقوع یافته باشد بحسب حفظ
حقوق مالکیت خود صحیح و معتبر ندانسته همه را
کان لم یکن خواهیم شناخت مستدعی آنکه این معروضات
را بحکومت منبوعه خود تبایع و احترامات صمیمانه طار
که هرگز روسیه نص و زوال فی بند به صفوت
مخصوص به پذیرد من الاحقر عهدا للارندران
من الاحقر الحان عهد کانم الحراسانی

و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه

یعنی حاضر کنید از برای جهاد یا دفاع یا استرداد
حقوق آنچه میتوانید از اسباب دور آوری از سلاح
و نفوس و غیره بیژی که طرف مقابل از او بترسد و

بدون تهیه اسباب زور آوری اقدام در جهاد یا دفاع یا استرداد حقوق متلاً و شرعاً جایز نیست کسی را که زور نیست زاری باید ایست که در علم سوق الحیش (لشکر کشی) تمام نظر به تحصیل قوه مدافعه است زیرا که خداوند طبیعت آفرین زور را مقامی مختصه که بالا ترین مقامات است گویا قانون گرام را این جهت سی سنگت می نماید لهذا برای اثبات این سخن عرض میکنم که در ظلم امکان که تحت تصور ماهیات مقتدر تر از طبیعت چیزی یافت نمیشود که تمام مکنونات نامتسالم اوامر او طوطا، کره، مطیع و منقاد است و همه اشیاء را دائماً از حلالی محالی منقلب میکنند بواسطه زور و قوه که حضرت آفریدگار در او بودیه گذاشته تا این قوه عبر المنول همان زور یک آدم ضعیفی از جریات امور قهریه او مانع موفقی میشود بحوری که مادام که این زور در کار است طبیعت از کار خود بیگار است مثلاً حکم طبیعت ایست که هر قبلی مرکز طلب و هر لطیفی ملوی خواه است مثلاً سنگ جسم قبیل است که بالطبع طالب مرکز جهادی است و هوا جسم لطیفی است که طبیعتاً مایل محیط خودش است و زور بکنفر السان سنگ را بواسطه زور و قوه روی به هوا می براند و مادامیکه این قوه همراه اوست بیلا میرود و مخالفت امر طبیعت را میکند و همچنان بکنفر با زور هوا را در زیر آب حبس میکند و مادامیکه این زور در کار است او از مخالفت طبیعت بی اختیار است پس باید از اجابت ملاحظه کرد که زور چه قوه معنی است که تمام احکام طبیعیات و عقلیات را مطلق میکند اینست که سباسبون قدیم و جدید بدون اینکه تطویل کلام نمایند زور را ضابطه ظلم دانسته اند حق که گفته اند عدالت را هم باید قوه و زور معرفی نمود (الحکم لمن غلب) از کلمات قدماست، سهارک چنین مکتوبه حرف حق از دهان توپ بیرون می آید، تو سوال به چه قوه دویت ملیون لیره استرابین و انگلتره خساره وارد آورد و نامداری را بیا کار گذاشت ژاپون و چه استمداد پلنگ بیفته مظا را مثل کره و همز و لایه وساید تبریزا به چه جلالت شاه استبداد را مات نموده و مارسیه را از میان بردند سبب این موفقیتها بغیر از زور چه بود

شعبان فارس و خراسان از ایشان کمتر نبودند چرا کاری از پیش نبردند، زور نداشتند در طهران چرا با وجود سد و هشتاد انجمن که حامی مجلس شوری بودند مجلس را شوب بستند و کرامت را شکستند زیرا که قوه و زور را مستقیدین تصاحب نمودند و قوه اجتماع و سلاح را از دست ملت گرفتند
(هر سکه با فولاد بازو بجه کرد)
(ساعد سیمین خود را رجه کرد)

پس های هوی و ازدحام و قیل قال و بست و محسن کار هیچ جیتی از پیش نخواهد رفت هر کس که موس گوی رپودر دارد باید چوگان بدست آورد و علم چوگان بازی داند و گرنه طلی را بر خود خندانند، فعلی هذا هر جیتی که خواهد حقوق مقصوبه خود را مسترد سازد قبل از آنکه اسم استرداد بر زبان راند باید به تحصیل قوه و اسباب زور اقدام کند غلغله و بهتاً توبخانه را تصرف میکنند یا چه خانه را بدست میاورند یا قور خانه ضبط نمایند متنباً لصالحین حرکت نمایند ره چنان روند که تبریزیان رفتند، آیا سرمستی بهتر از حرکت تبریزیان هست که در اول وجه تمام توبخانه و چه خانه و قور خانه را تصرف آوردند و تلگرافخانه را ضبط نمودند که رابطه مرکز ما مأمورین محلیه منقطع گردد و مدد تدبیر آمر از مأمورین سلب شود و فرما فرما و سردار مقتدر و عین الدوله قوسول روس سپدار و غیر هم هر چند خواستند که بطایف الحیل این قوه را از دست اینها بگیرند گول نخوردند تلگراف مرحمت از طهران مخساره شد مخرج زفت حضرت ستار خان با قسم قایض و عده سپهسالاری دادند مخرج زفت، راه آذوقه قطع نمودند مخرج زفت بر مبارد مان نمودند و مخرج زفت محله بنای صلح گذاشتند مخرج زفت، فرمان معافی دائمی طالبات شهری آمد مخرج زفت جان من مرگ من مخرج زفت در جواب همه اینها یکجواب پیش نهادند که ملت را از قید اسیری آزاد کن از حقوق فرمان مساوات بده که حق ضحای ملت باطل نشود، بنی مجلس شورایی ملت را که منطوق کلام احدیت است اجازه بده، و قانون اساسی را چنانکه شش قسم خوانده و قرآن مهر کرده و امضاء نموده مجری بدار و بشروط طبیعت